کشف گونه جدید از خزندگان در اقلیم کوردستان

پژوهشـگران توانسـتند دریـک مطالعـه میدانی و آزمایشگاهی گونه‌ای جدید از مارمولک‌های خانگی را از کوه‌های قره داغ در جنوب شرقی سلیمانیه در نزدیکی مناطق مرزی اقلیم کوردستان عراق با ایران کشف نمایند. این‌گونه شبگرد از نظر ریخت‌شناسی و ژنتیکی مستقل از گونه های دیگر جهان است و به افتخار مردمان بزرگ کورد با نام گکـوی خانگی کـوردی "Hemidactylus kurdicus" نام‌گذاری گردید.

صفحه ۱

چیا

کوردی - فارسی

مانگنامه‌ی فه‌رهه‌نگی - کۆمه‌ڵایه‌تی

تا سه‌راپا نه‌بمه کۆی زووخاڵ قه‌د ئارام ناگرم

صدهـا هزار نفر ویدئوهای آموزشـی چیـا را دیده‌اند و در عرصـه میدانی نیـز تاکنـون ۲۶۲۴ دانش‌آمـوز، آموزش داده‌شده‌اند. کمیته آموزش انجمن سبز چیا با برنامه‌ریزی دقیـق و اسـتفاده از تجـارب سـالیان گذشـته در سـال جاری نیز در مسـیر افزایش سـطوح مختلف آگاهی‌های زیست‌محیطی گام‌هایی اساسی برداشته است که نظر به ماهیت خود و به‌دوراز هر نوع استفاده رسانه‌ای، حاشیه، تنش‌زایی و وقفه‌ای بوده است.

لاپه‌ڕه‌ی۳

▪ شنبه ١٦ دی ١٣٩٦ ▪ ١٦ی به‌فرانباری ٢٧١٧ی کوردی ▪ ٦ ژانویه ٢٠١٨ ▪ سال سوم ▪ شماره٢٧ ▪ ٨ صفحه ▪ قیمت ١٠٠٠ تومان ▪

عکس: شیرکو کانی سانانی

دود آتش سوزی های سریالی زریبار به چشم همه مردم رفت و بام و حیاط خانه ها را پر از خاکستر کرد اما آنچه بیش از آن خود نمایی می کرد، آتش جهل و ندانم کاری افرادی بود که از درون می سوزاند. آتشی که تنها زیستگاه پرندگان و جانوران را نشانه نرفته بود بلکه ماوا و مامنی را نشانه رفته بود که از نماد ها و شاخص های سطح شعور مردم به حساب می رود. نااهلانی با شعوری بسیار ضعیف که به آسانی با جان و حیات زریبار بازی می کنند. تاسف هزار باره از بی امکاناتی در کنترل حریق، نا هوشیاری در فهم اهمیت نی زارها برای نه فقط زریبار، بلکه کل منطقه و ناکارامدی مسئولان در شناسایی امران و عاملان این فاجعه نیز جای خود دارد. تاسف برای زریباری که مسـئولان شعارهایشـان را بر آن بنیان می کنند و از آن فقط بسان نردبان ترقی خود استفاده می کنند. به هر حال لازم است مردم در برابر غارتگران سامان و هویت مریوان آگاه بوده و نگذارند چند دست کثیف، سرزمین پاکشان را سیاه کنند.

گردشی در مفاهیم پیوسته با شهروند

شهروندی رابطه‌ای اسـت که بین فرد و دولت برقرار می‌شود و دارای چهار بعد مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. رابطه‌ای است که به مردم‌سالاری توجه می‌کند و صورت‌های تجدید شکل یافته همبستگی جمعی است که در قالب تشکل‌های مدنی و کوچک ظاهر می‌شود.

صفحه٤

بررسي عوامل اجتماعي موثربر رفتار و نگرش نسبت به بازيافت زباله در شهرستان مريوان

پژوهشـی توصیفـی- تحلیلی کـه به روش تصادفی چند مرحله ای خوشـه‌ای و با کمک پرسشنامه استاندارد بر اساس طیف دانلاپ، بر روی ٤٠٠ نفـر(٢٠٠ مرد و ٢٠٠زن) افراد بالای ١٨ سال در سال ١٣٩٥ با موضوع عوامل اجتماعي موثر بر رفتار و نگرش نسـبت به بازيافت زباله شهر مريوان انجام گرديد.

صفحه٥

مریوان و آبیاری تحت فشار

سامانه انتقال آب سد گاران به طول ١٧کیلومتر از سد شروع و تا دشت حسن آوله ادامه دارد در کیلومتر ١٥ پروژه توسط یک واحد ایستگاه پمپاژ بخشی از آب به سه مخزن در نقاط بلندی از کوههای عصر آباد و پیله پمپاژ شده و هد و ارتفاع سیستم آبیاری دشت های عصر آباد، گویزه کویزه، کانی کوزله، سلسی، پیله، ره شه دی و چاوگ تامین می شود.

صفحه٧

حوادث طبیعی یا بلایای طبیعی

حـوادث طبیعی ازجمله زلزله، جزئـی از رفتار طبیعی زمین برای رسیدن به تعادل است؛ اما چون در کشـورهایی مثل ایران با خسارت‌های جانی و مالی همراه است، آن را بلایای طبیعی می‌داننـد. مقابله با زلزله بی‌معناسـت و هرگز نمی‌توان از وقوع آن جلوگیری کرد.

صفحه ٣

تردد ارابه های مرگ را متوقف کنید

فرض کنید که ما همراه با گروهی از دوسـتان و شـهروندان فهیم مریوان، مسـئولین گرامی همانگونه که مسـتحضرید و قبـلا نیز به کرات شـاهد آن بوده ایم، تردد تانکرهای حامل مواد سـوختی در جاده به شـدت نامناسب مریوان - سـنندج بارها باعث تصادفات ناگوار و مرگ شهروندان ما شده است.

لاپه‌ڕه‌ی۲

تشریحی از اصول اعتراض

اعتراض: عبارت است از بیان فردی یا جمعی نظرات، ارزش‌ها یا منافع مخالف، دگراندیشانه، واکنشی یا پاسخ دهنده. اقدامات فردی یا جمعی، تظاهرات خودجوش یا همزمان، به هر شیوه و شکل و برای مدت زمانی که هر فردی مایل باشد، از جمله از طریق استفاده از فن‌آوری‌های دیجیتال.

صفحه٨

▪ سخن چیا ▪

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم

این‌همـه هیاهو بـرای چه؟ چند پرنـده مهاجر یا چند هکتار نیزاری که هرساله سـوزانده می‌شود؟ برای چند نایلون بیشـتری که پـرت می‌کنیم؟ اصلاً اگر ما پرت نکنیم چه می‌شـود؟ این‌همه مردم در فلاکت و بدبختی‌اند و باوجود مشـکلات فراوان سیاسی و اقتصادی مثل بیکاری، کاهش درآمد فاجعه‌بار مردم، گرانی روزافزون و تورم لجام‌گسـیخته، سرخوردگی سیاسی، کاهش سـطح اعتماد تـا حد فاجعه اخلاقـی، اعتیاد، طـلاق و فقر، پایین آمدن سـن فحشا و هزاران درد دیگر، عـده‌ای بیاینـد دم از حق یک پرنده، سرنوشت یک زباله و یک تالاب بزنند که چه؟ در این وضعیتی که امیدها به هیچ تدبیری نیسـت و انگار شیرمال شدن تکرار سرنوشت ماست، جمعی با شـلوغ‌کاری بخواهنـد از ریز گرد و آب و خشک‌سـالی بگوینـد که چه؟ عـده‌ای بیایند و نام خـود را "ان جی او" بگذارنـد و راه‌حـل اعتیاد و طلاق را یدک بکشند، بیایند و چاره فرهنگی را علـم کنند و زبان کـوردی را به چند نوجوان یاد بدهند و ازاین‌دست کارها انجام دهند که این ویرانه آیا گلسـتان می‌شود؟ این هیاهو آیا یک سرگرمی برای قشر متوسـط جامعه نیست که سـعی می‌کنند باهدف قرار دادن یک سری مسائل پیش‌پاافتاده به زندگی خـود معنی ببخشـند و از این طریق هویتی بـرای خـود بازتعریف کنند و زیر سایه آن احساس اهمیت بکنند؟ اصلاً فرض بر این‌که چندگونه بیشتر از جانوران هم منقرض شدند! همان‌گونه که هزاران گونه حتی پیش از پیدایش ما منقرض شـدند و همینـک نیز در حال انقراض هستند؟

مگر سـنندج و کرماشـان و ایلام که زریبار ندارند بی هویتند؟ زریبار نباشد که چه؟ گیرم که بچه‌های ما نتوانستند به زبان مادری خود بنویسند و بخوانند. چند معتاد بیشتر بمیرند، مگر چیزی حل می‌شـود؟ اصـلاً این‌همه وقت خـود را در این روزنامه‌ها و مجلات و ماهنامه‌ها تلف می‌کنیم که چه؟ مثلاً میزان مطالعه مردم را بیشتر کرده‌ایم؟ عده‌ای باید با اتلاف وقت و هزینه بیایند و صفحاتی را سیاه کنند و زباله‌ای تولید کنند تا احساس مفید بودن کنند! تازه عده‌ای از آن قسمت‌های چپ جامعه بیایند و تحقیرشـان کننـد و بگویند عده‌ای آمده‌اند تا مقاومت را "ان جی او "ئیزه و خلأهـای خدماتی دولت را پر کنند و ابزار و دسـتاویز و عروسک خیمه‌شـب‌بازی بازیگران سیاست و سوداگران قدرت شوند! بردگی دنیای سرمایه‌داری را نهادینه کنند و احساس وجـود کنند! کثافـت‌کاری دولت‌ها را پاک‌سازی کنند و رنگ حقوق بشری بـر فجایـع بزنند و حتـی آن انقلاب موعود را عقب بیاندازند!

چرا باید عده‌ای همیشه دغدغه داشته باشند و نگذارند جامعه خوابی آسوده داشته باشد؟ چرا عده‌ای نباید بگذارند جارچیان جـار بزنند کـه همه‌چیز در امن‌وامـان اسـت؟ این‌هـا و هزاران سؤال و تحلیل و اماواگر و ترس دیگر پیش پای فعالین مدنی اسـت تا به آنان بفهماند کنـار بروید، کاری نکنید، خسته شوید و پا پس کشید. سؤالات پرآب‌وتاب و تحلیل¬های لعاب‌داری که از چپ و راست‌بر پیکر سازمان‌های مردمی واردشـده‌اند بسیار جای گمان اسـت و جوابـی دورودراز می‌طلبد تا حقیقـت از زیـر این هجمـه به‌ظاهر منطقی و اساسی خود را نمایان سازد. سـؤالات و حرف‌هایی که می‌خواهند همه‌چیـز را ول‌کنـی و بگذاری همان قوانین نانوشته مخرب کنونی راه خود را طی کنند و کسـی نباشـد که چوب لا چرخ کسـانی بگذارد که منفعتشان در همـواری راه اسـت، ول‌کنی تا هر چـه خواسـتند انجام دهنـد و تمام نمادهـا، نشـانه‌ها و موجودیت‌هایی مثل زریبـارت را و زبان و هویت و ... را به سـخره بگیری و در لاک منفعت شـخصیت روی تا از هـر طریقی تو نیز تکه‌ای بیشـتر از پیکـر بیمار این سرزمین بقاپی

. البتـه این‌گونـه در آن‌سـوی دیگر قهرمان داسـتان خواهی بود چون به زعمـی راه را برای انقـلاب موعود باز گذاشـته‌ای؟ اجـازه داده‌ای همه‌چیز خودبه‌خود در امن‌وامـان قرار بگیرد! که چه؟ برای کی؟ آخرش چه؟ مردم را ببیـن که دنبال کار خود هسـتند و هزاران سـؤال دیگر کـه به‌گونه‌ای بر اندک افـراد فعال عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی وارد می‌شود انگار مسببین این‌همه فجایـع اینانند و همه در این چارچوب پیکار مدنی بیکارند و مابقی مـردم همه غـرق خوشـبختی‌اند و مشـکلی بانام بیکاری ندارند! انگار با نبود اینان زخم‌های جامعه خودبه‌خود درمان خواهند یافت و سـازمان‌های مردمی باعث می‌شوند وقت مردم به بطالت بگـذرد چراکه همه مردم غرق مطالعه‌اند و نه اعتیادی هسـت و نه طلاقی و نه آسیبی اجتماعی! این‌همه را هنگامی‌که بـا بیکاری‌های عمومی و دردهـای همگانی که جمع می‌کنی فشاری غیرقابل‌تحمل می‌نماید که باید تحمل نمود. همه علت‌العلل را که ذات سیاست اسـت رها کرده‌اند تا میدان سیاست از دلسـوزان و روشنفکران و دغدغه مندان خالی باشـد مبادا ترک بـردارد چینی تنهایی آقایـان! در این وضعیت بسـیار لازم خواهد بود که با بازخوانی اهداف و بازتعریف فعالیت‌ها، سـازمان‌های مردم‌نهـاد متحدتـر از پیش، راسـخ و محکم گام‌های خود را برای نیل بـه جامعه‌ای بهتر بردارند و بگوینـد آن پرنده‌ای که تو نبودش را هیچ انگاشته‌ای از چم‌وخم سختی‌ها گذشته و مانده اسـت و کتابی است برای چگونه زیسـتن و ماندن، راهی دیگر اسـت برای وفق شدن با شرایط سـخت روزگار، آموزگاری است برای جنگیدن تا ساختن روزگاری بهتر، اگر بدانی و بخوانی و بفهمیش

. بسـیار لازم خواهد بـود که به همه بگویی که این اجتماع به خاطر همان چشمه و رودخانه و منبع آب است که هزاران سـال تو را به‌سان یک جامعه متمدن نموده اسـت و فاجعه همان پشت کردن به پایه‌هاست، پشت کردن تو به هویت و زبانت، پشـت کردن تو به اجتماع و سـلامت روانی جامعه و پشـت کردن به پایه‌هایی که سـتون این استحکامات توست و با نبودنش بر سـرت آوار خواهند شد. لازم است دوسـت را از دشـمن بازشناسی و به یادآوری که دوست دشمنانت، دشمنت خواهنـد بود. نباید تفکر سـازمانی را برای حل مشـکلات رها ساخت. این همان مسیری اسـت که به تغییرات مثبـت منتهی می‌شـود و سرمنشـأ آینده‌ای بهتـر خواهد بود نه رها کردن و پا پس کشـیدن و خـود را قهرمان طبقـات خوانـدن، نـه لاف زدن‌های بی‌محتوا و نه خالی کردن شانه از زیر بار مسئولیت اجتماعی.

کشف گونه جدید از خزنـدگان در اقلیم کوردستان

پژوهشـگران توانسـتند در یـک مطالعـه میدانـی و آزمایشـگاهی گونه‌ای جدید از مارمولک‌های خانگی را از کوه‌هـای قـره داغ در جنـوب شرقی سـلیمانیه در نزدیکی مناطق مرزی اقلیم کوردستان عراق با ایران کشف نمایند. نتایج این دستاورد در شماره ۴۳۶۳ مجله علمی تخصصی Zootaxa به‌چاپ‌رسـیده‌اسـت.

این‌گونه شبگرد ازنظر ریخت‌شناسی و ژنتیکی مسـتقل از گونه های دیگر جهان است و به‌افتخار مردمان بزرگ کـورد بانام گکـوی خانگـی کوردی "Hemidactylus kurdicus" نام‌گذاری گردید. گکوی کوردی (نام کوردی: شـه و گه ردی کوردستانی) ، شبگرد اسـت و رنگ‌های قهوه‌ای روشـن، زرد و صورتی در قسمتهای مختلـف بدنـش دیده می شـود. این گونه به لحاظ ظاهری شـباهت زیادی به گکوی پارسـی دارد اما این دو به لحاظ ریختشناسـی و ژنتیک متفاوت‌اند."لازم به ذکر اسـت؛ لینه زیست‌شـناس معـروف گونـه‌ای را در سـال ۱۷۵۸ میلادی بانام گکوی خانگـی ترکـی "Hemidactylus turcicus" از سـواحل مدیترانـه و جان اندرسـون نیز در سـال ۱۸۷۲ گونه‌ای دیگر را از شـیراز بانام گکوی خانگـی پارسـی "Hemidactylus persicus"توصیف‌کـرده‌بودنـد.

این مطالعه توسـط باربـد صفایی، کارشـناس ارشـد تنوع زیستی در موسسـه خزنده شناسـان پارس و خانم دکتر هانیه غفاری از دانشـگاه کوردستان، سـیوان امینی از انجمن سبز چیا مریوان و آرام غفور از چشم طبیعت سـلیمانیه در یـک مجموعه عملیات میدانی در سـال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی انجام‌گرفته که نتایج این دسـتاورد در شماره ۴۳۶۳ و در نشـریه تاکسونومیسـتهای نیوزیلند انتشـاریافته‌اسـت.

باربـد صفایی مدیر تیـم درباره این مطالعه اینگونه می گوید: در آن زمان حضور داعش در عراق بسیار گسترده بود، با توجه به شب فعال بودن گونه، ما می بایست شـبگردی وسیعی از غروب آفتاب تا نیمه‌شب با چراغهای دسـتی بسـیار قوی در منطقه انجام می دادیم و این می توانسـت خطر بالقوهـای بـرای تیـم تحقیقاتی ما باشـد. به‌طوری‌که اگر نور چراغ ها بر روی مراکز نظامی مـی افتاد ممکن بود تصور شود که ما گروهی ناشناس هستیم و به سـمت ما شلیک شود. درعین‌حال برای گـروه های خرابکار نیز اهداف خوبی در شـب بشمار می آمدیم. اما خوشـبختانه علیرغم این مشـکل طی این مدت اتفاقی برای گـرومرخنـداد.

درتحقیقات میدانی این پژوهشگران، نمونه هـای مارمولک خانگی کوردی در شـکافهای باریـک کوههـای قره داغ نزدیـک به جنگل های اسـتپی سلیمانیه عراق جمع‌آوری شدند و به نظر می رسـد که تنها جنس بوم زاد کوردسـتان‌عراق‌باشـند.

اگرچه محل زندگی این‌گونه توسـط وزارت محیط‌زیست عراق از سال ۲۰۱۴ تاکنون حفاظت‌شده اعلام‌شده است، اما این تحقیق نشان میدهد که تغییر کاربری، نابودی جنگل، آتش‌سوزی، رسوبات آهکی و جاده‌سازی خطراتی جدی برای این‌گونـه نیز ایجاد کرده انـد و فعالیتهای آموزشـی در جهت آگاهی مردم بـا توجه به جنگ های پیاپی در این مناطق بسـیار ضروری اسـت

عکس: باربد صفایی

بی اعتمادی به مدیریت بحران دولتی

زلزله کرماشان بار دیگر همبستگی عمیق مردم به ویژه در شهرهای کوردنشین را به همراه داشت. می توان گفت در تمامی شهرهای کوردنشین از جمله مهاباد، سنندج، بوکان، مریوان، بانه، ماکو، ارومیه، شهرهای لرستان و ایلام و... کمپین های مردمی برای کمک به مردم زلزله زده در سایه مدیریت ضعیف یک مدیریت بحران ایجاد شد. تلاشهای مستقل مردم برای کمکرسانی به ساکنان مناطق زلزلهزده در عین حال بازتابگر بیاعتمادی آنان به مسئولان و نهادهای متعدد کمک رسان است که در روزهای اول حادثه ضعف در کنترل و بهبود شرایط و گزارشات ارسالی از مناطق زلزله زده و تقاضای نهادهای کمک رسان همچون هلال احمر از مردم جهت یاری رساندن هم مزید بر این علت بود.

نمونه های موفق در جمع آوری کمک های مردمی در این مدت کم نبودند اما تلاش چهره های مستقل از هنرمندان، ورزشکاران، چهره های سیاسی و اجتماعی به ویژه در تهران همچون علی دایی، صادق زیبا کلام، جواد خیابانی، نیکی کریمی، لیلا اوتادی، نوید محمد زاده، علی کریمی و برخی دیگر از این عزیزان در کنار شاهکار بزرگ کوردستانیان قابل تقدیر بود که با حضور در مناطق و یا ایجاد کمپین ها و دعوت از چهره های سرشناس جهت یاری رساندن حجم بالایی از نیازمندهای مادی و معنوی مردم در مناطق زلزله زده را تامین کردند.

تلاش مردم در سایه بی اعتمادی و ضعف مدیریت بحران نهاد های مسئول سبب شد که مایحتاج ضروری مردم سریع تهیه و به دست آنها برسد. اگرچه این مساله چالشی جدی است برای نهادهای مسئول در مواقع بحرانی اما یک نمونه موفق در همدلی مردم برای یاری رساندن به هم در حوادث بود و چالش خوبی ست که مسئولان بدانند دیگر در کنار وجود رسانه های مستقل و مردم آگاه لازم است شیوه های مدیریت و نظارت تغییر و بهبود یابد. و مردم آگاه تر از همیشه مسائل و بحران ها را می دانند و بر ناتوانی دولت در مدیریت این اوضاع آگاهند که خود دست به کار می شود و گاها در این راه حتی جان خود را نثار خدمت به هم نوع خود می کنند.

متاسفانه چون هنوز برنامه های منظم و قوانین آنچنانی در مدیریت بحران ها نداریم و اغلب آن را بلای طبیعی می دانیم، این سبب می شود تا دوباره در زلزله ها و سیل های بعدی متاسفانه همین شرایط و شاید بدتر از آن هم تکرار می شود.

انتخاب هیئت مدیره‌ی انجمن عکاسان مریوان

روز شنبه ۹ دیماه ۹۶ مجمع عمومی انجمن عکاسان مریوان برگزار و در انتخابات انجام گرفته ۵ عضو اصلی هیئت مدیره برای مدت۲سال انتخاب شدند.

تردد ارابه های مرگ را متوقف کنید

(بیانیه انجمن سبز چیا)

شهروندان فهیم مریوان، مسئولین گرامی همانگونه که مستحضرید و قبلا نیز به کرات شاهد آن بوده ایم، تردد تانکرهای حامل مواد سوختی در جاده به شدت نامناسب مریوان - سنندج بارها باعث تصادفات ناگوار و مرگ شهروندان ما شده است، همچنین به فراوانی موجبات آلودگی محیط زیست و رودخانه ها، آلودگی منابع آبی و خاک زیست بوم کوردستان را ایجاد کرده است. ترددی که جز برای عده ای قلیل و انگشت شمار به حال هیچ کسی سودمند نبوده و جان و آسایش شهروندان و هموطنان ما را به سخره گرفته است، همچنین موجب آسیب به منازل مسکونی، تخریب زیرساخت های شهری و بین شهری جاده ای به ویژه در شهرستان مریوان شده است. وعده های بسیاری از سوی مقامات استانی و کشوری شنیدیم و برای چندین ماه از کاهش آن ها اندکی از دردهای مردم کم شده بود تا مگر جاده جدیدی که چندین دوره آن را وعده داده بودند به بهره برداری برسد. شوربختانه مناسبات سیاسی، جنبش های نظامی منطقه و بستن مرزهای دیگر باعث بر هم خوردن معادلاتی شده که ماحصل آن ورود شدید و چندین برابر ارابه های مرگ به این منطقه شد که هر روز آثار زیانبارشان آسیبی گاه جبران ناپذیر و ناگوار بر این دیار وارد می آورند . جاده کوهستانی که حتی جوابگوی تردد ماشین های سبک نیست اکنون تبدیل به تجارت خانه و محلی برای تاخت و تاز ارابه های مرگی شده که چیزی جز تخریب و تصادف و خون و دود و آلودگی برای مردمان این دیار نداشته است. ما به عنوان انجمن سبز چیا مریوان بدین وسیله و در پی بحرانی شدن تردد بیش ازحد تانکر های حامل سوخت و کامیون های سنگین مراتب اعتراض شدید خود نسبت به این وضعیت را اعلام داشته و مصرانه راه حلی اساسی جهت مدیریت و حل این بحران را از نهادهایی که مسئولیت و وظیفه تامین امنیت جان و مال مردم و حفاظت از محیط زیست را دارند خواستاریم. فراموش نکرده ایم که سال گذشته چگونه عزیزانمان در آتش طمع و جهل تصمیم های نابخردانه مدیران و مسئولان مرتبط سوخت و خانواده هایی که هنوز داغدار هستند. جاده های سراسر زیبای کوردستان در سایه شوم ارابه های مرگ بوی خون به خود گرفته اند و هر لحظه بیم آن می رود جان شهروندی را بستانند. خواهشمند است هرچه زودتر این رویه را اصلاح کنید چرا که تصمیم غیر مسئولانه تان جان و مال مردم و زیست بوم و زیستمندان کوردستان را نشانه گرفته است و بدانید که میزان صبر و چشم پوشی مردم در برابر این تهدید و وعده هایتان قطعا محدود خواهد بود.

انجمن سبز چیا مریوان

بەڕێوەچوونی کۆڕی شەوی یەلدای ٢٧١٧ قەژین

لە ڕێکەوتی ٣٠ی ٩ی ١٣٩٦ هەتاوێدا، ناوەندی فەرهەنگی-هونەریی قەژین کۆڕێکی بۆ بەرز ڕاگرتنی شەوێ یەلدا بۆ پێنجەمین ساڵ لەم شەوەدا، لە هۆڵی نشاتی شاری مەریوان بەڕێوە برد.

کۆڕەکە بە بەشداریی کۆمەڵێکی بەرچاو لە نووسەران، ئەدیبان و کەسایەتییەکانی کوردستانی ئێران، و بە پێشوازیی گەرموگوڕی خەڵکی مەریوان و دەوروبەر، لە کاتژمێر ٨ی شەودا دەستیپێکرد و تا ٣٠/١٢ نیوەشەو درێژەی خایاند. لە بە شی لە بە رنامە بە ڕەسمی شەوانی چلەی کوردەواری، هەنار وەکوو شەوچەرەی لایەن هونەرمەندانی کرماشانەوە پارچەیێک چەمەری بۆ یادی قوربانیانی بوومەلەرزەی شارەکانی کرماشان پێشەکش کرا.

بەشی تایبەتیی کۆڕەکە پێشکەشکردنی خەڵاتی ساڵانەی ناوەندی قەژین بە چالاکانی بواری فەرهەنگیی بناری زاگرۆس بوو، واتە خەڵاتی فەرهەنگیی بەڕووی زێڕین، کە ئەمساڵ مامۆستا عەتا نەهایی نووسەر و وەرگێڕی بە توانای کورد) لە لایەن لێژنەی تایبەتی ناوەندی قەژینەوە پەسەند کرابوو و لە ڕێوڕەسمێکی بەشکۆدا خەڵاتەکە پێشکەش بە مامۆستا عەتا نەهاییکرا.

مێژوویی شەوی یەلدا لە نێو بەشداربووادا بڵاوکرایەوە و لە

ورود ارابه های مرگ به رودخانه های کوردستان

- فاجعه واژگونی تانکر حامل قیر مایع
- واژگونی تانکر حامل قیر مذاب
- چپ‌کردن تانکر نفت‌کش
- تصادف و مرگ هدیه تانکرها

این ها و بیشتر از این تیتر خبرهایی ست که شبکه های اجتماعی از تصادفات هفتگی و ماهانه ده ها تانکر نفت کش (ارابه های مرگ) در جاده مریوان به سنندج منتشر می شود. جاده ای که بعد از حوادث سیاسی اقلیم کوردستان عملا به جاده تانکرها تبدیل شده و عقل سلیم حکم می کند که در این جاده تردد نکنید و اگر ضرورت بر تردد بود قطعا برگشتن با سلامت از این جاده جزو خبرهای خوشی می شود که مادران چشم به راه راه خوشحال خواهد کرد. انتظار هم داریم بررسی کنیم چرا گردشگران به دیارمان سر نمی زنند و هستند کوته فکرانی در این میان مردم و بازاری را مقصر می دانند اما در واقع ماجرای عدم تمایل گردشگر برای ورود به مریوان بر می گردد به نبود زیر ساخت ها و و راه های مناسب که سبب شده کمتر کسانی حاضر شوند ریسک گذر از جاده های مرگ کوردستان را به جان بخرند. اما این پایان ماجرا نیست و فاجعه آنجا بیشتر می شود که اکنون این تانکرهای شوم مواد نفتی شان در اثر واژگونی به داخل رودخانه ها می ریزند که در ۱۴ آذر نزدیکی روستای نگل و در ۱۲ دی ماه نزدیک رودخانه خانقا رزاو و مواردی دیگر تانکرها بعد از واژگونی متاسفانه هزاران لیتر مواد نفتیشان وارد رودخانه شد و دو فاجعه زیستی در کمتر از یک ماه در منابع آبی کوردستان رخ داد و اصلا معلوم نیست چه کسی مسئول بررسی به این وضعیت دردناک است و در جاده ای که میلیاردها تومان عاید افرادی خص یا دولت می کند چرا فقط آلودگی و نیست و نابودی و تصاد و خون باید نصیب مردمانش‌شود.

جاده های کوردستان ظرفیت این همه ماشین سنگین را ندارد و آقایان نمی خواهند قبول کنند و متاسفاه وضعیت روز به روز بدتر و دردناک تر می شود. حجم بالای تردد این تانکرها همیشه مورد انتقاده بوده و منتقدین بر این باورند که به دلیل آشنا بودن رانندگان با جاده های کردستان، غیر استاندارد بودن جاده های استان و وجود ماشین های سبک بالا در این جاده نباید اجازه تردد به تانکرها داده شود.

روزانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه تانکر حامل سوخت در جاده های ارتباطی استان تردد می کنندو طبیعی است این تعداد در جاده نامناسب کوردستان منجر به تصادفات و تخریب زیرساخت و محیط زیست می شود. به گفته فرمانده پلیس راه کوردستان در شش ماهه نخست امسال، ۱۹تانکرحامل سوخت درمسیر مریوان-سنندج تصادف کردندکه به دنبال بالا گرفتن انتقادات و ادامه یافتن تصادفات متعدد در فصل پاییز، اعمال محدودیت تردد این تانکرها در جاده مریوان سنندج برای جلوگیری از حوادث رانندگی، این تانکرها از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۷ صبح هر روز، در محور سنندج ـ مریوان ممنوع شود اما در همان زمان معلوم شد که فقط حرفی برای ساکت کردن مردمی بود که از این تانکرها دیگر به تنگ آمده اند. دلیل بر تنها ماندن وعده اعمال محدودیت در تردد تانکرها این بود که اولا مدت زمانی برای این محدودیت معلوم نشده ثانیا طبق بررسی های به عمل آمده مشخص گردید که رانندگان تانکر ها توجهی به این محدودیت ها ندارند و کسی هم آنچنان که باید صورت بگیرد این ها را کنترل نمی کند. با این حال آیا می توان امیدوار بود که جاده جایگزین این مشکل را حل کند جاده ای که بیش از یک دهه از قول افتتاح و اجرایی شدن آن می گذرد! آیا جاده جدید که در حال ساخت است جوابگوی این همه تردد سنگین‌خواهدبود؟!

به‌ڕوونا‌سنامه‌ی زاگرۆسه

افزایش تخریب و نابودی طبیعت به ویژه جنگل از سوی بشر با آتش زدن و زمین خواری باعث شده سطح وسیعی از جنگل های زاگروس هر سال نیست و نابودشود.

بخش اعظم وسعت آتش سوزی های چند سال اخیر در مناطق کوردستان و کرمانشاه بوده است که متاسفانه باعث از بین رفتن حجم زیادی از جنگل های بکر گردیده است. در راستای جبران بخشی از این نابودی و احیای جنگل های سوخته فعالین زیست محیطی و کوهنوردان در شهرهای مختلف در پاییز سالجاری اقدام به کاشت بلوط در شهرهای سنندج، مریوان سروآباد، کامیاران، بانه و ... کردند

کانون ژینگه با همکاری بخش آموزش زبان کوردی در دانشگاه پیام نور مریوان به مانند سال های گذشته در جنگل های اطراف دانشگاه اقدام به کاشت دانه های بلوط تحت عنوان **"به‌ڕوو ناسنامه‌ی زاگرۆسه"** کردند

یازدهمین جلسه شورای سرآمدان علم و تجربه مریوان

طبق تصمیمات گرفته شده در هسته مرکزی هرماه جلساتی با حضور همه کارگروه ها برگزار می شود و هر کارگروه موضوع، دغدغه ها و فرصت های در حوزه کاری خود را با حضور مسئولان مرتبط در میان خواهند گذاشت که در یازدهمین نشست به میزبانی شهرداری مریوان در سی ام آذرماه کارگروه محیط زیست با هدایت انجمن سبز چیا به بیان مهمترین مسائل و فرصت ها و مشکلات در محیط زیست مریوان پرداخت.

در کارگروه محیط زیست چندین موضوع برای بحث و تبادل نظر از سوی انجمن سبز چیا ارائه گردید که مهمترین آنها ورود حجم بالای فاضلاب شهری مریوان به دریاچه زریبار از محلات سردوشی و استادیوم و بیسارانی که متاسفانه تاکونو به حال خود رها شده است و سالانه هزاران لیتر فاضلاب خام وارد نگین غرب می شود و این بستر را به ششدت آلوده کرده است و طبیعتا رشد نی زار را در حاشیه ها به‌همراه‌داشته‌است.

نبود سایت نخاله های ساختمانی در مریوان که باعث شده در اثر رهاسازی و برخوردنکردن با خاطیان بخش های زیادی از جنگل ها و طبیعت حاشیه شهر آلوده گردد. در ادامه مطالب به افزایش زغال گیری و استفاده از اره برقی برای قطع درختان و همچنین توسعه باغسازی با نابودی جنگل بحث و تبادل نظر شد تا بهترین نظرات و راهکارهای بهبودثبت‌شود.

در این جلسه سرآمدان علم و تجربه نماینده شورای شهر مریوان، کارشناسانی از اداره شهرداری، آموزش و پرورش، منابع طبیعی و محیط زیست، ریاست محترم اداره آب و فاضلاب شهری، ریاست محترم دانشگاه آزاد مریوان، نماینده و مسئولین کارگروه های دیگر قرار داشتند که بعد از سه ساعت بحث و تبادل نظر مصوباتی را هم در حوزه محیط زیست جهت معرفی به تصمیم گیندگان شهری اتخاذ نمودند تا بلکه مسئولین با آگاهی بیشتر و همچنین مطلع شدن از مشکلات و فرصت های زیست محیطی مریوان بتوانند تصمیمات بهتری را در حفاظت و صیانت از محیط زیست و طبیعت مریوان‌برای‌داشته‌باشند.

سرآمدان علم و تجربه نام شورایی است که زیر نظر بنیاد نخبگان استان کوردستان در اسفندماه سال گذشته تشکیل شد. هسته مرکزی در این شورا با حضور دوازده کارگروه تخصصی در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تشکیل شده است تا بستر مناسب جهت ارتباط و هم افزایی بین نخبگان و ادارات در سطح شهرستان مریوان ایجاد و همچنین شرایط حمایت و پشتیبانی از سرآمدان علم و تجربه از طریق این شورا با مسئولین درمیان‌گذاشته شود.

قەیرانی ئاو!

تا سەراپا نەبمە کۆی زووخاڵ قەد ئارام ناگرم «وفایی»

■ دیمەن فتحی

صدها هزار نفر در شبکه‌های مجازی پیام‌های آموزشی چیا را دیده‌اند و در عرصه میدانی نیز تاکنون ۲۶۲۴ دانش‌آموز، آموزش داده‌شده‌اند. کمیته آموزش انجمن سبز چیا با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از تجارب سالیان گذشته در سال ۹۶ نیز در مسیر افزایش سطوح مختلف آگاهی‌های زیست‌محیطی گام‌هایی اساسی برداشته است که نظر به ماهیت خود و به‌دوراز هر نوع استفاده رسانه‌ای، حاشیه، تنش‌زایی و وقفه‌ای بوده است. این کمیته متشکل از زنان و مردانی در سنین مختلف بوده که باکار مداوم و تلاش‌های خستگی‌ناپذیرشان فایلی زیست‌محیطی را در اذهان عموم مردم منطقه گشوده اند و به جای گرفتن ماهی، مردم را یاد داده اند که به چه شیوه ای ماهی بگیرند.

شاید ماحصل زحمات این کمیته در طی سالیان را با توجه به ذات فرهنگ سازی نتوان به صورت تمام وکمال نشان داد و ارزیابی نمود به شماره در آورد، اما قدر یقین آینده جامعه -اگر در سایر زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دچار فاجعه نشود- سرشار از تفاهم و همزیستی خواهد بود. البته به جرات می توان گفت بعضی از ثمرات این کار در رفتار مردم قابل مشاهده است. اگر در بین مردم اینک شکار زشت است و شکارچی کمیاب، اگر هنوز زریبار نفس می کشد و میزبان هزاران پرنده مهاجر است، اگر جنگل ها هنوز زندگی می بخشند و سیل مردمان با وجدان برای اطفای حریق روان است و تعداد و حجم آتش سوزی ها کم شده است، اگر زباله کم است و هر کودکی امروز می داند رها کردنش شرم آور است و اگر درختکاری ارزش شده است، قطعا یکی از مهمترین نهادهای تاثیر گذار همین چیا و همین دست های ناشناخته کمیته آموزش است که توانسته راه روشن خود را برای همگان بیافروزد. لازم به یاداوری است که در اعتراض به پدیده عجیب مینی پالایشگاه در نزدیکی زریبار نیز این کمیته با مراجعه به روستاها سنگ تمام گذاشته و از مولفه های نیرومند جلوگیری از آن فاجعه بود. مسایل مربوط به محیط‌زیست و همزیستی با آن به سان ارثیه ای از اولین انسان ها بر مبنای آزمون و تجربه نسل به نسل انتقال یافته است و در این راستا روش ها و شیوه های بهره برداری یا قطع مقطعی آن بر اساس تجارب و درگره با باورها و اعتقادات، همواره مانند اصولی یادگرفتنی موجودیت یافته است. اعمال و تجمیع تجارب و آموخته های بشری اگر چه بیشتر نتایج آن جز ویرانی و ایجاد فجایعی پیچیده بر پیکر زمین چیزی به بار نیاورده است اما با اندک تحقیقی در باب آن به اصولی خواهیم رسید که براحتی آموزش پذیرند می توان به راحتی آن را در زندگی به کار برد. اصولی که اگر اکثر جامعه به آن پایبند بوده و در راستای آن گام بردارند، با اندک همتی می توان نتایجی عالی به بار آورد. انجمن سبز چیا با اشراف بر این واقعیت سالیان است که بیشترین هزینه و جدیت خود را بر آموزش جوامع بنیاد گذاشته در این مسیر اندک زمانی تعلل ننموده است و هر بار با شیوه ای نوینتر در مسیر این مهم گام برداشته است.

امسال اگر چه به اواخر آن نزدیکتر شده ایم اما پروسه آموزش مسایل زیست‌محیطی با شتابی ستودنی در راه خود گام برداشته و نوید آینده ای بهتر را می دهد. اعضای کمیته آموزش همواره در تلاش شبانه روزی برای رسیدن به اهداف تعین شده سالیانه خود بوده اند که در این راستا این مربیان و زبدگان پروسه آموزش مبانی محیط‌زیست با تحلیل گام های پیشین و نقد و بررسی آموخته های امر آموزش خود، به تدوین و تعین پروسه بعدی آموزشی با توجه به نیاز ها و امکانات موجود پرداختند. آنچه بیش از همیشه در گام های نوین کمیته آموزش قابل تامل است استفاده بیش از پیش ایشان از ابزارهای کمک آموزشی و شبکه‌های اجتماعی به منظور تسهیل و تسریع امور است.

آموزش مدارس: با توجه به تجارب گذشته در تابستان قرار بر تهیه دو ویژه نامه آموزشی گذاشته شد تا یکی از آن ها مسایل و سرفصل های مربوط به مدارس ابتدایی را شامل شود و دیگری سرفصل ها و مسایلی که برای گروه تحصیلی متوسطه اول الزامی می نمود. این دو ویژه نامه که با نام های "مازوو " برای مدارس ابتدایی و "بەڕوو " چاپ شده است هر کدام و به صورت مجزا و خلاصه شامل این سر فصل ها می‌شود: الف: مازوو مازوو ویژه سنین ۷ تا ۱۲ سال طراحی شده و محتوای آن نیز با توجه به نیازها و توانایی های این محدوده سنی بسیار مهم در دو صفحه گلاسه تمام رنگی نوشته و چاپ شده است.

این ویژه نامه شامل کارهای سادهای است که یک کودک در مواجهه با مصرف انرژی می تواند انجام دهد مثل خاموش کردن لامپ اضافی، استفاده از سبد به جای کیسه نایلونی، شناخت انواع زباله و انداختن آن ها در سطل و شناخت جنگل و فواید آن است و ضرورت حفظ جنگل برای انسان ها. این موضوعات همراه با تاکید بر مهربانی با جانوران از اهو سرفصل های آموزشیبه کودکان ابتدایی می باشد. ب: بەڕوو بەڕوو ویژه دوران متوسطه ی اول است و با توجه به سن آن ها این موضوعات را در ۸ صفحه تمام رنگی در بر داشته است: حق محیط‌زیست، عوامل تهدید کننده جنگل، آتش سوزی جنگل ها، داستان های کوتاه زیست‌محیطی، آب و کشاورزی، فواید و معایب سد، حقوق حیوانات، راه های دور کردن حشرات از محل زندگی بدون استفاده از سموم و خشونت، آلودگی و مفهوم آن در ابعاد مختلف، توجه به پاکیزگی محیط، اثرات استفاده از سوختهای چوبی مثل زغال، زباله و انواع آن، آلودگی آب و راههای پیشگیری از آن. البته برای دانش‌آموزان پایه ابتدایی نیز فرم برنامه هفتگی را با مضامین زیست‌محیطی چاپ شده است تا یادگاری ای برای همه به‌ویژه کلاس اولی ها و دومی ها باشد یک ودو باشد که شاید به راحتی نتوانند با نوشته های ویژه نامه ارتباط برقرار کنند. این مربیان با هماهنگی با مدارس در این فصل به ۷ مدرسه ابتدایی و ۲ مدرسه متوسطه اول مراجعه کرده اند و با توجه به هدف آموزش خود که بالا بودن کیفیت به جای کمیت بوده است تاکنون کلاس به کلاس پیش دانش‌آموزان رفته اند تا درس های زندگی و چگونگی همزیستی در دنیای نوین را با آنان مرور کنند. ایشان فقط در مدارس توانسته اند ۲۶۲۴ دانش‌آموز را تاکنون آموزش دهند و از وسایل کمک آموزشی بهره مند سازند و در رابطه با این موضوعات با دانشآموزان به بحث و گفتگویی صمیمانه بپردازند.

ساخت تیزرهای آموزشی: این کار با توجه به پررنگ شدن نقش رسانه‌های جمعی ازجمله تلگرام در دنیای مجازی در دستور کار کمیته آموزش قرار گرفت و با توجه به‌ضرورت جامعه و احساس کمبود نسبت به آموزش همگانی ساخته می‌شود. این کار که با تحقیق و زحمت افراد این گروه آماده می‌شود تاکنون در دو موضوع "چرا باید به محیط‌زیست احترام بگذاریم " و "عدم استفاده از سوخت‌های چوبی به‌ویژه زغال " در گروه‌های مختلف و انواع رسانه‌های مجازی پخش‌شده و صدها هزار بیننده را به خود جلب کرده است. ساخت این تیزرها بازهم ادامه خواهد یافت و با توجه با انباشت تجربه در این زمینه نیز امید می‌رود کارهای بعدی بتوانند بیش از این دو موضوع نیز مخاطب خود را جذب نمایند. کمیته آموزش مداما در حال تغییر و جذب افراد تازه بوده و علاقه‌مندانی که درزمینه های مختلف آموزشی قادر به همکاری با انجمن سبز چیا باشند، واقع آنچه رخ می داد دیری نمی پاید که آتش زنان از طرفی دیگر آتش به جان زریبار می انداختند. که این امر می تواند توسط شکارچیان پرندگان برای افزایش وسعت دید و یا صیادان سنتی ماهی برای سهولت در صید رخ بدهد یا دست های پلیدی برای مقاصدی غیر از این آتش را به جان زریبار بیندازند که در آخرین مورد طبق اخبار منتشره از سوی محیط زیست مریوان افرادی را هم در این زمینه دستگیر کرده اند.

کمبود تجهیزات و همچنین نیت پلید آتش زنان از عوامل اصلی گسترش این آتش‌سوزی ها بود، که با گسترش یافتن مشکلات زریبار یکی پس از دیگری و بروز انواع آلودگی ها سبب شده که ما شاهد سیر نزولی کیفیت زیستی این اکوسیستم بی نظیر باشیم. تنوع زیستی غنی در تالاب زریبار سبب جذابیت این اکوسیستم شده است تا گردشگران زیادی به این منطقه جذب شوند؛ اما متاسفانه توجهی شایسته و درخور به این منطقه زیبای گردشگری نمی شود. از موارد مهمی که با توجه به ظرفیت تالاب می توان روی آن سرمایه گذاری کرد تنوع و تعداد بالای پرندگان در تالاب زریبار است که به راحتی می تواند موجبات گسترش اکوتوریسم و گردشگری شهرستان و استان را به همراه داشته باشد که لزوم ترویج این امر ایجاد زیرساخت های گردشگری و حمایت مسئولین امر در این رابطه است که با توجه به وجود سرمایه غنی با نام مردم دوستدار محیط زیست در مریوان به خوبی این صنعت جا بیفتد و رونق اقتصادی پایداری‌رایجادنماید.

تالاب زریبار در آتش بی توجهی

■ آرمان غفوری
فعال محیط زیست

تالاب آب شیرین زریبار یا زریوار در نزدیکی غرب شهر مریوان، از مکان‌های دیدنی و گردشگری استان کوردستان است. حجم تقریبی آب تالاب حدود ۳۰ میلیون متر مکعب برآورد شده و محیط تالاب حدود ۵/۲۲ کیلومتر است.

تالاب زریبار به عنوان یک واحد اکولوژیکی و یک اکوسیستم آبی در کوردستان پدیده‌ای بسیار زیبا و نادر می باشد. دارای گونه‌های بومی و غیربومی آبزیان که طبق آخرین تحقیقات میدانی انجمن سبز چیا بیش از ۲۳۵ گونه پرنده بومی و مهاجر و تعداد زیادی گونه های دیگر از پوشش گیاهی، پستانداران را در خود جای داده است.

بخشی از این تالاب ارزشمند، اوایل دی ماه سال جاری به روال سال های گذشته طی دو روز متوالی دچار حریق شد و وسعت زیادی از این پوشش گیاهی که بخش جدایی ناپذیری از اکوسیستم تالاب است نابود گردید.

تالاب زریباردر حالی در آتش سوخت که حتی یک بالگرد در استان برای اطفای حریق این تالاب ارزشمند نیامد و مردم، انجمن های مردم نهاد و محیط زیست مریوان بدون تجهیزات آنچنانی یا کاربردی که قابلیت کنترل این حجم را داشته باشد و با دست خالی به خاموش کردن شعله‌های آتش اقدام کردند.

رئیس اداره محیط زیست مریوان با نیرو و تجهیزات حداقلی که دارد در محل آتش سوزی حضور یافته و اغلب آتش با کمک دوستداران زریبار به ویژه عزیزان اسکله قایقرانی مهار می شد اما در

حوادث طبیعی یا بلایای طبیعی

■ امید رشیدی
(کارشناس جغرافیا)

چه سلامی/ می‌دانم کسی شایسته آن نیست/ اگر هم خوشحالتان می‌کند/ سلام به همگی/ سلام

" بهزاد کوردستانی "

حوادث طبیعی ازجمله زلزله، جزئی از رفتار طبیعی زمین برای رسیدن به تعادل است؛ اما چون در کشورهایی مثل ایران با خسارت‌های جانی و مالی همراه است، آن را بلایای طبیعی می‌دانند. مقابله با زلزله بی‌معناست و هرگز نمی‌توان از وقوع آن جلوگیری کرد و حتی اگر بتوان از ساعت‌ها قبل آن را پیش‌بینی کرد بازهم ما تنها نظاره‌گر فروریختن خانه‌هایمان خواهیم بود؛ اما با شناخت علمی زمین و حرکات آن، با رابطه درست بر اساس توانمندی‌های محیط طبیعی و مدیریت مناسب می‌توان خسارات ناشی از آن را به حداقل ممکن برسانیم، کاری که در کشوری مثل ژاپن صورت گرفته است. در رابطه با رفتار ما در مورد زلزله و آنچه در این زمینه بایستی انجام شود، مراحل سه‌گانه قبل از زلزله، هنگام زلزله و بعدازآن قابل‌بحث است. در این نوشتار به دلیل اهمیت زیاد آن بیشتر به مرحله قبل از زلزله پرداخته می‌شود. مدیریت پایدار بحران یعنی علاج واقعه قبل از وقوع آن. با شناخت علمی از محیط طبیعی پیرامون خود و آگاهی از توانمندی‌های آن برای رابطه مناسب و منطقی با این محیط خصوصاً در ساختمان‌سازی می‌توانیم خسارات مالی و جانی را به حداقل ممکن برسانیم. مدیریت بحران چه معنایی دارد؟ وقتی هرلحظه به تعداد ساختمان‌هایی که مقاومتی در برابر زلزله‌های متوسط هم ندارند، در شهرها و روستاها افزوده می‌شود؛ و یا ساختمان‌های تخریبی و خسارت‌دیده براثر زلزله بدتر از قبل ساخته می‌شوند! وقتی از فرماندار شهرمان می‌پرسم چرا با دادن امتیاز آب، برق، گاز و... به ساختن خانه‌های بدون مجوز و غیراستاندارد شرعیت می‌دهید؟ و او در جواب می‌گوید فلان نماینده- برای رأی جمع‌کردن-ما را تحت‌فشار گذاشته بود! وقتی همه ما باهم متحد شده‌ایم تا هر طور شده به توسعه پایدار نرسیم و بجای امنیت پایدار مدام با هراس از زلزله زندگی کنیم. چراکه هنوز دزدی، خیانت، حلال، حرام و. را بازتعریف نکرده‌ایم.

وقتی کسی برای فروش و سود بیشتر، ساختمانی چهار طبقه و بدون پارکینگ، با آهن ضعیف و مصالح غیراستاندارد در کوچه‌ای با عرض چهار متر می‌سازد و تنها چیزی که هرگز به آن فکر نمی‌کند این است که ممکن براثر زلزله‌ای بر سر کسانی فروبریزد و راه امداد و نجات سایرین را بگیرد! آیا پولی که از این راه به دست می‌آورد حلال است؟ آیا او قاتل قربانیان احتمالی نیست؟ آیا او خود به‌تنهایی خائن و دزد است؟ آیا جوشکاری که با آهن ضعیف اسکلت چهار، طبقه ساختمان را جوشکاری می‌کند دزد نیست؟ بنایی که دیوارها را می‌سازد در این جنایت و دزدی شریک نیست؟ مهندسی که با گرفتن رشوه سکوت می‌کند خائن و دزد نیست؟ مسئولانی که گاز، برق و آب و سایر خدمات را واگذار به همراه مسئولان بالاتر از خود دزد و خائن نیستند؟ عالم دینی مسجد آن محل مسئولیتی ندارد؟ وقتی با زلزله‌های نه‌چندان بزرگ با خسارات جانی و مالی روبرو هستیم! یعنی اینکه گرفتار جبر محیط انسانی خود هستیم، به عبارت بهتر ما اسیر و برده افکار خود هستیم. انسان نادان و جامعه نادان مدام در رنج خواهند بود. اگر جامعه ما شناخت درست و علمی از حوادث طبیعی ندارد و آموزش‌های لازم برای شرایط بحرانی ندیده است، چه کسانی وجه نهادهایی باید فرهنگ‌سازی لازم را انجام دهند؟ معلوم است که دولت با در اختیار داشتن صداوسیما، آموزش‌وپرورش و سایر سازمان‌های مربوطه مقصر اصلی می‌باشد. صداوسیما شبکه‌ای بنام ورزش دارد و در سایر شبکه‌ها هم ساعت‌ها برای فوتبال و آفساید بودن و نبودن فلان گل برنامه دارد، کارشناس دعوت می‌کند و از پول ملت هزینه می‌کند، اما برای محیط‌زیست، آموزش حقوق و وظایف شهروندی و سایر مشکلات جامعه برنامه‌ای ندارد! حتی اگر یک فعال مدنی یا زیست‌محیطی بخواهد با هزینه خود به صداوسیما برود و سخنی بگوید اجازه ندارد یا در ساعت پنج صبح به او اجازه خواهند داد! ای‌کاش رسانه ملی برای جان شهروندان این مملکت یک‌صدم فوتبال ارزش قائل بود. آموزش‌وپرورش هم چنان در دام نمره جمع‌کردن، مدرک‌گرایی و بخشنامه‌های الکی گرفتار است که هرگز امیدی به آن نمی‌توان داشت. ما عادت کرده‌ایم اشتباهی را با اشتباهات بیشتر جبران کنیم. دولت بعد از هر زلزله‌ای بجای درس گرفتن از اشتباهات گذشته پیام تسلیت صادر می‌کند! وقتی ساختمان‌های بیمارستان و مسکن مهر در زلزله کرماشان فروریختند دولت بجای عذرخواهی از فقر مردم سوءاستفاده کرده و وعده وام‌های بیست و سی‌میلیونی به آن‌ها می‌دهد؛ اما هرگز اعتراف نمی‌کنند که اگر نظارت کافی بر ساختمان‌سازی داشتند و آن سرمایه‌هایی را که الف. م ها از خزانه ملت غارت کردند، صرف مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله می‌کردند، مردم عزیزانشان را از دست نمی‌دادند. حتی وقتی‌که بی‌اعتمادی مردم، جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد به کارآمدی سازمان‌های دولتی ازجمله هلال‌احمر دیدند-که متأسفانه بی‌نظمی، ترافیک ناهماهنگی در امدادرسانی را به دنبال داشت-بازهم از خودشان تشکر کردند که موفق عمل کردند! و اما آیا ما مردم تنها قربانیان بی‌دفاعی هستیم که گرفتار جبر محیط اجتماعی خود شده‌ایم یا اینکه با مطالبه نکردن حقوق شهروندی خود و فرار از مسئولیت‌های شهروندی، خود نیز بخشی از مشکل هستیم؟ وقتی کمی بعد از هر زلزله تا زلزله بعدی دچار فراموشی می‌شویم. وقتی خط قرمز نداریم و هرگز نخواهیم گفت دیگر بس است و ساختن این ساختمان‌های بالقوه قاتل را متوقف نمی‌کنیم. این‌همه ترس از زلزله برای چیست؟ وقتی‌که بدون توجه به توان محیط طبیعی، بر روی رسوبات نرم کنار رودخانه‌ها و بقایای تالاب‌ها و دریاچه‌های قدیمی ساختمان‌های بلندمرتبه، سنگین و غیراستاندارد می‌سازیم، البته که بایستی مدام در ترس زندگی کنیم و حضور همیشگی مرگ را براثر زلزله احساس کنیم. چرا ما از امنیت پایدار گریزانیم؟ و بافرهنگ مرگ دوستی امان از نقش قربانی بازی کردن و مظلوم‌نمایی لذت می‌بریم؟ وقتی با شناخت بهتر محیط طبیعی پیرامون خود و رابطه متناسب با توانمندی‌های آن می‌توانیم زندگی بهتر و آرامش پایدارتری داشته باشیم، چرا باهم متحد می‌شویم تا هرگز به توسعه و امنیت پایدار نرسیم! کی می‌خواهیم از گفتمان زنده ماندن صرف و تلاش برای بقا گذر کرده وزندگی را آغاز کنیم؟ درحالی‌که ما می‌توانیم با تغییر تفکر و سبک زندگی خود از این بحران‌ها گذر کنیم، برای این مهم ابتدا از خود آغاز کنیم و خود الگوی آنچه از دیگران انتظار داریم باشیم. مردم زمان زیادی را به بحث‌های خرافاتی و غیرعلمی در مورد زلزله اختصاص می‌دهند و مدام از آن می‌ترسند! اما از شناخت واقعی آن گریزانند، چراکه آگاه شدن از هر موضوعی مسئولیت به دنبال دارد. چرا مسئولیت گریزی بخشی از فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد؟ بعد از زلزله کرماشان اگرچه صحنه‌های ناب از همکاری، همدردی و کمک‌رسانی مردم را شاهد بودیم اما بعد از زلزله‌های اخیر به دلیل عدم آگاهی درست از زلزله توسط عده‌ای از مردم شاهد اختلال در امدادرسانی، ترافیک و بسته شدن معابر عمومی، سلفی گرفتن‌ها با حادثه دیدگان، صف‌های طولانی پمپ‌بنزین‌ها و سایر رفتارهای نابجا بودیم. به فرض خانه همسایه امان فروریخته و ما اتفاقی سالم مانده‌ایم، آیا اولین کاری که باید بکنیم کمک به مصدومان و زیر آوار ماندگان است یا فرار از محل حادثه؟ به‌راستی این‌چنین رفتارهای ناشایستی نشان از سقوط معنویات جامعه نیست؟ در شرایط بحرانی می‌توان سقوط یا اوج معنویات جامعه را دید. معلوم است که بازسازی اصولی ساختمان‌های تخریب‌شده و آسیب‌دیده در زلزله بر طبق نقشه جدید و اصولی و همچنین فراهم کردن بودجه لازم وظیفه دولت است و هرگز نمی‌توان با بیست یا سی میلیون تومان وام از مردم انتظار داشت که خانه‌های مقاوم در برابر زلزله بسازند. وضع قوانین مناسب برای هر نوع ساخت‌وساز در مناطق مختلف کشور، اجرای دقیق و نظارت بر اجرای ان نیز وظیفه دولت است؛ اما وقتی بیمارستان تازه‌ساخت دولتی و ساختمان‌های مسکن مهر که توسط دولت نظارت و اجراشده‌اند قبل از خانه‌های مردم عادی فرومی‌ریزند و حتی بابت آن از مردم عذرخواهی هم نمی‌کنند، هیچ امیدی به بهبود وضع موجود نیست. آداب شهروندی چیزی نیست که در لحظه و یا هنگام بحران به مردم آموزش داد، اینکه عده‌ای از ساکنان یک روستا مانع امدادرسانی به روستاهای بالادست نشوند و به حقوق سایر شهروندان احترام بگذارند، بایستی از کودکی در مدرسه، خانواده و رسانه‌ها آغاز کنیم.

گردشی در مفاهیم پیوسته با شهروند

▪ نرگس رفیعی
کارشناس ارشد
مطالعات زنان

شـهروندی رابطه‌ای است که بیـن فرد و دولـت برقرار می‌شـود و دارای چهار بعـد مدنـی، سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی اسـت. پایگاه و موقعیتی اسـت که برخی بیشتر و برخی کمتر از آن بهره‌مندنـد. رابطـه‌ای اسـت که بـه مردم‌سـالاری توجه می‌کند و صورت‌هـای تجدید شـکل یافته همبسـتگی جمعی اسـت کـه در قالب تشـکل‌های مدنـی و کوچک ظاهر می‌شود. اسـاس شهروندی، فعالیت‌هـای مدنـی اسـت. برای شکل دادن و انسجام دادن و اجرای شهروندی فرهنگی، باید آموزش‌های اجتماعـی و آگاه‌سـازی‌های بومی و ملی وجود داشـته باشـد. مهارت، مقاومـت در برابـر ارعـاب و تهدید، شهروندی فرهنگی، شـادی، رابطه، حمایت، شبکه‌های اجتماعی و انتقاد تنها شماری از مفاهیم همواره پیوسته با شـهروندی هسـتند. آنچه در این مقاله می‌آیـد، توضیح مختصری از بخش‌هایی از این مفاهیم است.

مهارت‌های یک شهروند خوب

سه شخصیت شـهروند مسئول: در برابر همه شـهروندان احساس تعلق و مسئولیت می‌کند؛ به‌عنوان‌مثال در اهدای خون شرکت می‌کند؛ شهروند مشارکت‌کننده: عضو فعال نهادهای جامعـه اسـت و بـرای پیشـرفت تلاش می‌کند؛ و شهروند قانون‌مدار: منتقدانه جامعه، سیاست و ساختار اقتصـادی را ارزیابی می‌کند تا آنچه را که ورای صورت هسـت ببیند، سه گونه شهروند خوب و نمونه هستند. نظام‌های مردم‌سـالار بـرای بقا به شـهروندان سیاسـی نیاز دارند که فعالانه در امور جامعه مشارکت کنند و همین‌جاست که از واژه شهروند فعال در مقابل شـهروند منفعل اسـتفاده می‌شود.

در برابـر ارعـاب و تهدیـد اطرافیـان ایستادگی کنیم.

همه ما تابه‌حال مشابه این جملات را شـنیده‌ایم: اگر ایـن کار را نکنی، دوستت نخواهم داشت؛ نمره خوبی بـه تو نمی‌دهم؛ تـو را ازاینجا اخراج می‌کنم؛ به فلانی می‌گویم که آن روز چه کرده‌ای و یا: این کار را می‌کنم به شرطی که ...؛ این را به تو می‌دهم به شرطی که...

اگر نتوانیم در برابر این‌گونه زورگویی‌ها که نشانه‌ای از دلسـوزی و منطق و اصلاح هـم ندارند مقاومـت کنیم، شـکننده و بی‌اراده خواهیـم بود و بجای خودمان و هدفمان، به دیگران اجـازه می‌دهیم که کنترل مـا را در دست بگیرند.

آیا این‌گونه رفتار شایسته یک شهروند نمونه است؟ اگر به پاسخمان به این پرسـش این باشـد که: خوب برای حفظ موقعیتم؛ برای حفظ موقعیت خانـواده و فرزندانم؛ یـا برای اینکه توی ذهـن ها نیافتم مجبـور بودم کـه به‌اجبار و ارعاب فلانی تن بدهم، آن‌وقت بایـد بدانیم نه‌تنها با این کار موقعیتی حفظ نشده بلکه مسیری را گشـوده‌ایم کـه در آن موقعیـت خود و نسـل پس از خود را به خطر انداخته‌ایم و فرصت آزادی و انتخاب را از خـود و فرزندانمان گرفته‌ایم. با این کار ترسـو بودن و بی‌اراده بودن و بهانه آوردن بـرای ناتوانایی‌های خود را بـه دوروبری‌هایمان نشـان داده و آموخته‌ایم. از همـه مهم‌تر اختیار زندگی باارزش خود را با همه جوانب و نگرانی‌هـای آن به دسـت دیگران سپرده‌ایم. هرگاه ما قانع شویم کاری را به پشت‌گرمی دلایل منطقی و پس از بحث و تبادل‌نظر انجام بدهیم و یا از انجام آن اجتناب کنیم، احسـاس رضایت داریم. برعکس اگر به‌اجبار و به دلیل تـرس از عاقبت آن را انجام دهیم، اثر خسارت ناشی از تصمیمان را بر روی جسـم و روان خود حس خواهیم کرد. شـاید مهم‌ترین شرط شـهروند بودن و شهروندی فرهنگی بی‌توجهی و مقاومت در برابر تهدید و ارعاب باشد. به‌جز این، از نشانه‌های درک فرهنـگ این اسـت کـه اگر خواسـته‌ای را با تمـام وجود حس کردیم، حتماً به زبـان بیاوریم. مثلاً اگر به برنامه و یا حرفی در یک جمع رسمی یا غیررسـمی اعتراض داریم یا با آن موافقیم، در چهارچوب اصول نقد -که عصاره‌ی آن احترام و استناد است، دیدگاه خود را بیان کنیم.

شهروندی فرهنگی

شـهروندی فرهنگـی دارای سـه بعد اسـت. **شـناختی:** مربوط به آن شناختی است که شهروندان از نظام مردم‌سـالار دارند؛ عاطفی: به معنای ارتباط و احساسـی است که هر یک از شهروندان نسـبت به شهر دارند و رابطـه‌ای که با آن برقـرار می‌کنند و عمل‌گرایانه: درواقـع ناظر به توانایی افراد برای زندگی کردن و عمل کردن به اصولی است که نظام مردم‌سالار به آن پایبند است. برای انتقال مفاهیم شهروندی فرهنگی به شهروندان باید برنامه‌هایـی خالی از پیش‌داوری در رسانه‌ها ارائه شود که معنایی عقلانی و علمی داشـته باشـد. باید مشوق شهروندان باشـد که در کنار اختلاف دیـدگاه، به تنوعـی از توافق جمعی برسند. باید به‌گونه‌ای هدایت شود که مروج فرهنگ مدارا و همزیستی بین گروه‌های قومی و زبانی باشد.

از پیش‌زمینه‌های پیاده‌سـازی ابعاد شـهروندی فرهنگی این است که تا حد ممکن درباره پیشـینه شهر خود بدانیـم. از باب جغرافیـا، جمعیت، ریشه زبان، آیین‌ها، فرهنگ، اقتصاد، ادبیـات، بافت معمـاری و هر مورد دانسـتنی دیگر. این دانسـته‌ها را می‌توانیم بـا صحبت با بزرگ‌ترها در خانواده یا از معلم و اسـتاد دانشگاه در درس تاریـخ و جغرافیا و خواندن به دسـت بیاوریم. اگر پـدر یا مادر هسـتیم، با فرزنـدان خـود درباره فرهنگ و حقوق شهروندی صحبت کنیم. می‌توانیم بـا مهم جلوه دادن این مطلب و آوردن مثال و همچنین بخشیدن اعتمادبه‌نفس به فرزندان، آن‌ها را به پیگیری امور آن تشـویق کنیم. باید بتوانیـم و بخواهیم آداب و معاشـرت خود را به کسانی که به گونه‌ی دیگری هستند توضیح بدهیم. نه برای اینکه بخواهیم آن را درست و موجه جلوه بدهیم بلکه برای روشن ساختن همه ابعاد آن. این کار بسیار جالب‌توجه و سرگرم‌کننده و آموزنده است؛ اما مهم‌ترین نتیجه‌ی آن ایجاد احترام آرام‌بخش و مطمئن انسان‌ها نسـبت به فرهنگ‌هـای متفاوت و نزدیکی مردم به یکدیگر است.

حتی در یک شـهر با آداب‌ورسـوم مشـترک و اصلی فراوان، از هر خانه به خانه دیگر غذاها، رفتارها، باورها و آداب معاشـرت گوناگونی وجود دارد که برای دیگران ناشناخته، بی‌ارزش، بی‌معنی یـا حتـی غیرقابل‌احترام است.

مطمئن باشـیم با بیـان تفاوت‌ها و ویژگی‌هایمان نه‌تنها چیزی را از دست نمی‌دهیـم، بلکه برای خـود احترام کسب می‌کنیم.

تاریـخ و میراث خود را بشناسـیم و به فرزندان خـود بیاموزیم تا بدانیم درگذشـته چه مواردی برای افتخار و الگوبرداری و چه مواردی برای درس گرفتن از اشتباهات وجود دارند. مثلاً به استان گردی و ایران‌گردی بپردازیم و موسیقی‌های اصیل را یاد بگیریم.

شهروند شادی باشیم

اگر روابط خانوادگی و دوستانه‌مان را بر مبنای سود و زیان نگذاریم، در کنار آن‌ها شادتر خواهیم بود.

روابط نزدیک خوب، مهم اسـت زیرا مهم‌ترین بخش از روابطمان هستند که بزرگ‌ترین بخش حمایت و شادی و احساس تعلق و اعتمادبه‌نفس را به ما می‌دهند.

ایجاد رابطه باکیفیت مهم است

برای دوسـتی‌هایمان، توجه، انرژی و زمـان صرف کنیـم چراکه فرصت چندانی در این زندگی زودگذر نداریم. به خود اجازه دهیم که احساسـات مثبـت را تجربه کنیم و به خانواده یا دوسـتمان منتقل کنیم. به قول یک روانشناس در مقابل بیان هر احساس منفی، پنج احساس مثبت را منتقل کنیـم. این‌گونه روابـط نزدیک‌تر و پایدارتری خواهیم داشت.

صحبت درباره‌ی اتفاقات خوب مهم هستند

اتفاقات خوبی که بـرای ما می‌افتد را بـا دوسـتان و خانـواده در میان بگذاریم بنابراین احساس راحت‌تری از کنـار هم بودن خواهیم داشـت و به هـم نزدیک‌تر خواهیم شـد. اگر در مقابل، دوسـتان و خانواده‌مان از این انتقال احساس شادی کنند، به روابط ما کمک خواهد کرد. به‌راحتی و بی‌مانع حرف بزنیم و سعی در درک داشته باشیم تا خانواده یا دوستمان احسـاس فهمیده شدن بکنند. نکته اینکـه باید بخواهیـم روان و اراده‌ی خـود را بـرای توانایی در ایـن امور بپرورانیم و تمرین دهیم.

حمایت شـدن و حمایت کردن مهم هستند

بتوانیـم حمایت کنیم و درخواسـت حمایت داشـته باشـیم، بخصوص در شرایط سـخت و زمانی که کسی حمایتمـان نمی‌کنـد. درخواسـت حمایت کـردن یک مهارت اسـت. بهتر اسـت دایره دوستانمان بزرگ‌تر باشـد تا فرصت‌های بهتـری برای دریافت حمایت داشـته باشـیم. از راه‌های کسـب مهارت حمایت کردن و درخواسـت حمایت داشـتن این اسـت کـه بتوانیم کارهایـی را برای انجام اشتراکی انتخاب کنیم؛ بتوانیم دوسـتان و خانواده را بـه ابراز افکار و احساسـات شـاد تشـویق کنیم؛ بتوانیم کارهای خلاقانه انجام دهیم مثل اینکه دوستان و معلمان قدیمی را دورهم جمع کنیم یا خاطرات شیرین مشترک را یادآوری کنیم.

شـبکه‌های اجتماعی محلـه‌ای مهم هستند

ارتباط اجتماعی قوی با همسایگان، تأثیر قوی بر کیفیت زندگی ما خواهد داشت. تحقیقات علمی ثابت کرده‌اند ارتبـاط با مـردم خطر افسـردگی و بیماری‌های قلبی را کاهش و امید به زندگی و تندرستی را افزایش می‌دهد. روابـط همسـایگی مـا را از ایزوله شـدن محفوظ مـی‌دارد. همچنین حمایت‌هایی را به دنبـال دارد مانند مراقبـت از خانه مـا هنگامی‌که در سفر هستیم و مراقبت‌های گاه‌به‌گاه از کودکانمـان. می‌توانیم با کمک به همسـایه‌ها در قبال کمکشان، شاد زیسـتی را افزایش می‌دهیم. به‌جز این، نه‌تنها با کسـانی که ما را دوست دارند و شـبیه به ما هستند، بلکه با آن‌ها که این‌گونه نیستند رابطه داشته باشـیم. این رابطه، تجربیـات را به یکدیگر منتقل کرده و روح اجتماع را متحد و قوی می‌کنیم. ما در محله‌مان با کسـانی که از نظر زمینه فرهنگی یا اجتماعی شبیه به ما هستند یا کسـانی کـه از این نظـر متفاوت هستند، سروکار داریم. خوب است با همسایگان متفاوت، اشتراکاتی را پیدا کنیم؛ مانند داشتن فرزندان در مدرسه محله، کار کردن در کنار یکدیگر برای بهتر کردن فضای سبز محله یا بودن در یک تیم مشترک ورزشی در محله.

برقراری ارتباط بـا اطرافیان متفاوت بـرای ایجاد هماهنگی و همدلی هم برای شهروند و هم برای جامعه مفید است.

تقویت همسایگی مهم است

ارتباطات همسایگی قوی داشته باشیم تا انگیزه‌ی بالاتری برای زیبا کردن و ارزشـمند کردن و تأثیرگـذاری روی محیطمان داشـته باشیم. احساس کنیم کـه می‌توانیـم در محیطمان تغییر ایجاد کنیم، در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنیم و مشکلات محله‌مان را با اعتمادبه‌نفس بیان کنیم. سـپس تقاضای رسـیدگی داشـته باشـیم چراکه می‌دانیم از حمایت و همراهی همسایگان برخوردار خواهیم بود.

اعتماد و ایمنی مهم هستند

ارتباطـات اجتماعی بـا محله نه‌تنها برای آنان که عضو این شبکه هستند بلکه برای همه جامعه اعتماد و امنیت فراهم می‌کند. وقتی همسـایه‌ها را بشناسـیم، ترس کمتـری از جرائم احتمالی و رفتارهای ضد اجتماع در محله‌مان خواهیم داشت. می‌توانیم با خیـال راحت هـم خودمان و هم فرزندانمان از فضاهای عمومی محله اسـتفاده کنیم و یا در شـب بیرون برویم.

از شـادی و شاد زیسـتی که بگذریم، انتقـادی بودن یـا رویکـرد انتقادی داشتن به شـهر محل زندگی، از دیگر مهارت‌هـای یـک شـهروند نمونه و فرهنگـی اسـت. اگر در پـی آنیم که دردسـر رویکـرد انتقادی داشـتن را نکشـیم، یا برعکس اگـر می‌خواهیم لذت سازندگی و آینده‌نگری را در کنار احساس مسئولیت به محیط زیستمان و اجتماع اطرافمان تجربه کنیم، نکاتی که در ادامه می‌آیـد را ازنظر بگذرانیم. حواسـمان را روی عمـل به هریک از نکات متمرکز کنیم.

بـرای شـهروندی با تفکـر انتقادی نبودن...

باید در برابر تغییر مقاومت کنیم؛
باید به دنبـال دخالت مسـتقیم در مسائل شخصی و خصوصی شهروندان باشیم؛
بایـد در روابـط شـهروندی کینه‌ای، حسود، متکبر و طمع‌کار باشیم و هرگز خودمان را جای دیگران نگذاریم؛
باید همرنگ با جماعت شویم تا کسی ایرادهای فردی ما را نفهمد؛
باید دنبالـه‌رو دیگران و یـا اکثریت باشـیم تـا ازنظـر دادن و پذیـرش مسئولیت فرار کنیم؛
بایـد خودمـان را فریـب بدهیـم و نخواهیـم ایرادهـای کار خـود و اطرافیانمان را ببینیم و مرتب بگوییم همه‌چیز درست می‌شود؛
باید برای حل مسـائل، اولین راه‌حلی که به ذهن می‌رسد را انتخاب کنیم و یـا برای رهایی از دردسـر فکر کردن از یک فکر نادرست دفاع کنیم؛
باید پیشـنهادهای غیرواقعی بدهیم و این‌کـه تصـور کنیم عقایـد ما بهتر از عقایـد همه اسـت؛ بنابراین قدرت همکاری و پذیرش دیگران را از دست بدهیم.

بـرای شـهروندی با تفکـر انتقادی بودن...

باید ذهنمان فعال و عدالت‌جو باشد؛
باید روابطمان صریح و روشـن باشد و در کارهایمـان یا نظر دادنمان ابهام نداشته باشیم و سعی کنیم با چنین شهروندانی گروه تشکیل دهیم؛
بایـد به دنبال کار یـا برنامه و گروهی باشـیم و دوسـت داشـته باشیم که کارهای مربوط به شهر را با شهروندان انجام دهیم؛
باید دلسـوز شهروندان دیگر باشیم و ارتباط خوبی با آن‌ها برقرار کنیم؛
باید افـق دیدمان باز باشـد و خود را جزئی از کل بدانیم نه عقل کل؛ چراکه همیشه افراد و اتفاقاتی هستند که به ما یادآوری کنند ما همه‌چیز را نمی‌دانیم و از عهده هر کاری برنمی‌آییم.

صرفه‌جویی در مصرف آب یا...

▪ کاوه کوردستانی

مدیریـت نادرسـت بر منابع آبی، پراکنش نامناسـب زمانـی و مکانـی بارندگی، عدم توازن بین عرضه و تقاضای آب، پایین بودن کارایی مصرف آب کشـاورزی، تغییر رژیم غذایی مردم، محدودیت منابـع آب‌وخـاک، خشک‌سـالی، الگوی نامناسـب کشت محصولات کشاورزی، افزایش جمعیت، کاهش سرانه آب تجدید پذیر، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها براثر اسـتفاده نادرست از منابع آبی، باعث به وجود آمدن بحران آب در ایران شـده و به همین دلیل تمرکز متخصصین این حوزه بر کمبود آب ممکن است باعث ارائه راهکارهای شود که به‌طور موقت مشکلات منابع آب را کاهش دهد اما درگذر زمان اثرات سوء جبران‌ناپذیری بر محیط‌زیسـت بگـذارد. پرواضح اسـت که موفقیت هـر راهکاری که برای مدیریت منابع آب کشـاورزی ارائه می‌شـود باید بر پایه شـناخت دقیـق از توانای ها و محدودیت‌های سیسـتم، دامنه کاربـرد، طراحی و اجرا اسـتوار باشـد و بـا آگاهی از اثرات زیست‌محیطی طرح ارائه‌شده بهتر می‌توان در راسـتای کشاورزی و توسـعه پایـدار گام برداشـت اما متأسـفانه و با توجه به اینکه بیشتر فناوری‌های وارداتـی بدون مطالعه لازم و کافـی و بـدون در نظر گرفتن اثرات زیسـت‌محیطی در ایران اجرا می‌شـود تا به‌طور موقت تسـکینی باشـد بر دردهای فـراوان موجود در این کشور.

یـکی از تازه‌ترین ایـن فناوری‌ها، آبیـاری قطـره‌ای نـواری یـا تیپ می‌باشد که در کوتاه‌مدت می‌تواند در مصـرف آب صرفه‌جویی کند اما اگر به‌دقت در مـورد آن تصمیمات لازم اتخاذ نشـود ممکن است صدمات جبران‌ناپذیـری بر پیکـره نیمه‌جان محیط‌زیست کشور وارد سازد. آبیاری قطره‌ای نواری یا تیپ، نواری با دیواره نازک اسـت که برای آبیاری قطره‌ای استفاده می‌شـود. اولین نمونه‌های تیـپ تحت عنـوان Dew Hose در واترتاون نیویورک و در ۱۹۶۰ توسـط ریچـارد دی چاپین در ایالات‌متحده ساخته شد (ویکی‌پدیا). آبیاری تیپ اولین بار در جزایـر هاوایی به‌منظور نجات کشت نیشکر منطقه از مشکل بی‌آبی مورداسـتفاده قـرار گرفت و هم‌اکنون حدود ۸۷۰۰۰ هکتار نیشکر، ۲۰۰۰۰ هکتـار آنانـاس، ۶۰۰۰ هکتار بادام‌زمینی و ۳۰۰۰ هکتار محصولات صیفـی در آن منطقه با اسـتفاده از این نوارها زیر کشت رفته‌اند (طرفی و همکاران) این نوارهـا برای اولین بار در ایران در سـال ۱۳۷۶ توسـط شرکت سوپر تریپ اینترنشنال کیش به‌عنـوان لوله‌های آبیـاری قطره‌ای نواری سوپر پایپ به مصرف‌کنندگان معرفی گردید و در سـطوحی نسبتاً کوچک در مزارع وارامین و در اطراف تهران در کشـت گلخانه‌ای استفاده شـد (طرفی و همکاران) نوار تیپ از نوع خاصی از پتروپلاست ها ساخته می‌شوند و برخلاف پلی‌اتیلن، بسیار نرم و قابل‌انعطاف اسـت که هنگام ورود آب بـه آن پر می‌شـود و پس از آبیاری، مجـدداً نوار تیپ به‌صورت مسطح درمی‌آید.

یکی از مشـکلات آبیاری تیپ، عدم آشنایی بیشتر شرکت‌های مهندسین مشـاور با طراحی تیپ است هرچند با گذر زمان این مشـکل تا حدودی کم شده ولی هنوز تا طراحی اصولی و اسـتفاده صحیح و مناسب از نوار تیپ هنوز فاصله‌داریم. جویده شدن، سوراخ شـدن و پارگی نوارها توسط حیوانات موذی مثل موش و روباه و پرندگان یکی دیگر از مشکلات تیپ است. علاوه بر مشکلات گفته‌شده در زمان‌های سم‌پاشی، کودپاشی، سله شکنی و سـایر عملیات‌های مرحله داشـت احتمال آسـیب این نوارها وجود دارد همچنین پارگی این نوارها براثر گرم شـدن در روز و سرد شدن در شـب و تحمل فشار کم در حدود یک اتمسـفر از دیگر مشکلات این سیستم آبیاری اسـت که در صورت بروز هرکدام از مشـکلات گفته‌شده نه‌تنهـا در مصـرف آب صرفه‌جویی نشـده بلکـه درد دیگری بـه آلام محیط‌زیست واردشده است. با توجه به بافت خاک، فاصله نوارهای تیپ استفاده‌شـده در زمیـن از یکدیگر ممکن اسـت از ۲۰ تا ۱۰۰ سـانتیمتر تغییر باشد یعنی در یک هکتار از ۱۰ تا ۵۰ کیلومتر بسته به بافت خاک و نوع محصول نوار تیپ در زمین اسـتفاده می‌شـود اما ازآنجایی‌کـه فاصله‌ای کـه در اکثر طرح‌هـای آبیاری تیپ بـرای اغلب زراعت‌هـا در همه انواع بافت خاک در نظر می‌گیرند برابر ۴۰ سانتیمتر است می‌توان اظهار داشت کـه به‌طورمعمول بـرای آبیاری یک هکتار زراعت با نوار تیپ ۲۵ کیلومتر نوار نیاز اسـت. در خوش‌بینانه‌ترین حالت اگر فرض شود که در هر فصل تنها ۱۰ درصد این نوارها در زمین باقی بماند بعد از ۱۰ سـال ۲۵ کیلومتر نوار تیپ و بعد از ۲۰ سال ۵۰ کیلومتر نوار تیپ در زمین باقی خواهد ماند.

این نوارها براثر تغییرات آب و هوایی به قطعات کوچک‌تری تبدیل می‌شوند اگر به قطعات ۵۰ سانتیمتری تبدیل شوند بعد از ۱۰ سال در هر هکتار ۵۰۰۰۰ قطعه و بعد از ۲۰ سـال در هر هکتار ۱۰۰۰۰۰ قطعه پلاسـتیکی رها خواهد شـد و با توجه به اینکـه جمع‌آوری نوارها در پایان فصل آبیاری با صرف هزینه‌های کارگری و نگهداری همراه است پس کشاورز از جمع‌آوری آن‌ها خودداری می‌نمایـد. چون این مواد در اثر باد و یا سـایر عوامل به‌راحتی جابجـا می‌شـوند راه خـود را برای ورود به سـایر مناطق و حتی منابع آبـی پیدا می‌کننـد و آلودگی از یک منبـع نقطه‌ای به یک آلاینده با ابعاد گسترده تبدیل می‌شـود. بر اساس مطالعات انجام‌شـده سالانه هزاران آبزی بـه علت گیر افتـادن در مواد پلاسـتیکی و یا اشـتباه گرفتن این مواد با غذا می‌میرند وجود پلاستیک در سیستم گوارشی جانوران مختلف، باعث می‌شـود که ایـن مواد جذب بافت‌ها شده و سبب ایجاد اختلالات هورمونی شـود یا به عبارتی خوردن پلاستیک توسط موجودات مختلف سم را وارد بدن آن‌ها کرده که درنهایت وارد چرخه غذایی انسـان می‌شـود (Mato ۲۰۰۱). در اثر فقر فرهنگی و عـدم آگاهی مردم از چرخه بازیافت مواد پلاسـتیکی در طبیعت خواسته یا ناخواسته دست به جنایتی بزرگ در حـق خـود، دیگـران و طبیعت می‌زند این در حالی اسـت که بنام صرفه‌جویی در مصرف آب، فاجعه‌ای در حال وقوع است که برای جلوگیری از این فاجعه و حل این مشکل لازم است تمام بخش‌های جامعه اعم از سیاست‌گذاران، سازمان‌های مربوطه، دانشگاهیان، شرکت‌های مهندسین مشاور، کشـاورزان و سـازمان‌های مردم‌نهاد دست‌به‌دسـت هم بدهند و در راسـتای آگاهـی بخشـی از اثـرات زیان‌بار زیسـت‌محیطی این پدیـده نوظهور گام بردارند و از طریق رسانه‌های ترویجی کشـاورزان را با مشـکلات این سیستم آبیاری آشنا نمایند و با توجه بـه اینکه وضعیت منابع آبی کشور وخیم است و سیستم آبیاری بدون عیب و نقص وجود ندارد لازم است شرکت‌های تولیدکننده این نوارها با حمایت دولت از مواد جدید دوستدار محیط‌زیست استفاده کنند.

بـه امیـد روزی که بـا بهره‌گیری مناسـب از منابع آبی و رعایت اصول زیسـت‌محیطی هم شـاهد توسعه کشـاورزی و هم شـاهد بهبود حال طبیعت باشیم.

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر رفتار و نگرش نسبت به بازیافت زباله در شهرستان مریوان در سال۱۳۹۵

■ سامان چوپانی
کارشناس ارشد
پژوهش علوم اجتماعی

چکیده
زمینه و هدف: پیشرفت و توسعه سریع تکنولوژی و تغییر نامطلوب زندگی در برخی عرصه‌ها به ویژه عرصه مصرف، باعث شده است تا با انبوهی از زباله‌ها که بعضاً حاوی انواع مختلف مواد گرانبها و همچنین مواد سمی هستند، مواجه باشیم. لذا، شیوه صحیح بازیابی و رعایت استانداردهای محیط‌زیستی می‌تواند از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کند. بنابراین در این پژوهش سعی شده است رفتار زیست محیطی عوامل انسانی سنجیده و عوامل اجتماعی موثر بر آن مورد تحلیل واقع گردد.
روش بررسی: پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی بوده که به روش تصادفی چند مرحله ای خوشه‌ای و با استفاده از پرسشنامه استاندارد بر اساس طیف دانلاپ، بر روی ۴۰۰ نفر(۲۰۰ مرد و ۲۰۰زن) افراد بالای ۱۸ سال شهر مریوان در سال ۱۳۹۵ انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.
یافته ها: نتایج تحقیق نشان داد که بین پارادایم نوین اکولوژیکی با رفتار بازیافت رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین، بین نگرش نسبت به بازیافت و رفتار بازیافت رابطه معنادار و مثبت به دست آمده است. یافته‌ها نشان داد که بین سن، وضعیت تأهل و تحصیلات با رفتار بازیافت پاسخگو رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، بین جنسیت ، درآمد و نوع شغل با رفتار بازیافت رابطه معناداری بدست آمد. نتایج تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد که، ۱۹ درصد از واریانس متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل (نگرش نسبت به بازیافت و پارادایم نوین اکولوژیکی) تبیین شده است.
نتیجه گیری: باتوجه به یافته های این تحقیق، عوامل انسانی در تولید و بازیافت زباله نقش مؤثری ایفا نموده و لذا شناخت نگرش‌ها و گرایش‌های آنان کمک مؤثری در برنامه‌ریزی مدیریت زباله و بازیافت ارائه می‌نماید و لذا باید در دستور کار مسئولین قرار گیرد.
واژگان کلیدی: رفتار زیست محیطی، نگرش نسبت به بازیافت، نگرش محیط‌زیستی، پارادایم نوین اکولوژیکی، شهر مریوان.

مقدمه
در قرن حاضر، رفتارهای زیست محیط انسان، به عنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین عامل بر محیط زیست، مورد توجه بسیاری از جامعه شناسان محیط زیستی قرار گرفته است. کنش ها و رفتارهای زیست محیطی ضمن اینکه بر بیشتر مسائل و تهدیدات زیست محیطی تأثیر می گذارند خود نیز از عواملی تأثیر می پذیرند. محققان جامعه شناسی زیست محیطی، از جمله دانلپ و ون لیر(۱)، دانلپ و جونز (۲)، باتل (۳)، شان و هولز(۴) و صالحی (۵)، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای زیست محیطی از جمله متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، طبقه اجتماعی، محل سکونت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و سن فرزندان)، گرایش سیاسی، ایدئولوژی سیاسی، عملکرد زیست محیطی ملت ها، آگاهی زیست محیطی و عقیده دینی پرداخته اند.
برای ساماندهی و مدیریت مواد زاید جامد به منظور ایجاد توسعه پایدار، نقش عوامل انسانی به خصوص در زمینه افزایش دانش و آگاهی آنها در زمینه تفکیک و بازیافت مواد زاید جامد، حائز اهمیت اساسی است(۶). با توجه به اینکه شهر مریوان، شهری توریستی است و هر ساله گردشگران زیادی از داخل و خارج کشور به آنجا مسافرت می کنند طبیعتا در افزایش زباله در این شهر نقش زیادی دارند. همچنین با توجه به نقش مهم مشارکت مردمی در امر بازیافت و مدیریت زباله لازم است تا رفتار مردم نسبت به محیط زیست را بررسی کنیم(۶). بنابراین، هدف اصلی تحقیق حاضر این است که رفتار مردم نسبت به محیط زیست چگونه است و چه رابطه ای بین رفتار زیست محیطی و عوامل جامعه شناختی وجود دارد.

روش کار
از لحاظ منطق روش‌شناختی، این پژوهش از نوع تحقیقات پیمایشی[1] می‌باشد. پیمایش حاضر از نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد. ابزار اصلی جهت جمع آوری داده های مورد نیاز، پرسشنامه ی استاندارد بر اساس طیف دانلاپ (۱و۲) می باشد. جامعه مورد پژوهش افرد پاسخگو (۱۸ سال به بالای ساکن در شهر مریوان) بوده و سطح تحلیل در این مطالعه، خرد می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر،کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن در شهر مریوان می باشد که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ ، حدود ۸۲۰۰۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری در این پژوهش از نوع نمونه گیری احتمالی است. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای در این پژوهش، پس از تعیین حجم نمونه، شهر را به چهار خوشه تقسیم کرده ، سپس محلات هر خوشه را با توجه میزان تقریبی جمعیت هر یک از محلات ، نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول منطقی کوکران[2] ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شده است(۷).

یافته های تحقیق
توصیف ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان می‌دهد میانگین سنی پاسخگویان ۲۷/۰۱ سال می باشد. ۵۰ درصد افراد زن و ۵۰ درصد دیگر مرد بودند. ۶۱/۳ درصد افراد مجرد و ۳۸/۸ درصد متأهل هستند. بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه (۵۶ درصد) دیپلم (۳۰ درصد) و زیر دیپلم (۲۶ درصد) هستند. ۳۴ درصد از افراد دارای شغل آزاد و میانگین درآمد متوسط خانوار در بین پاسخگویان مورد بررسی حدود یک میلیون تومان می‌باشد. همچنین در توصیف متغیرهای اصلی تحقیق نتایج حاکی از آن است که: میانگین متغیر نگرش نسبت به بازیافت ۳/۸۲ (از ۵) می‌باشد. این نتایج نشان می دهد که پاسخگویان سطح مطلوبی از نگرش نسبت به بازیافت را دارند و میانگین متغیر پارادایم نوین اکولوژیکی ۳/۷۶ (از ۵) می‌باشد که سطح بالایی از نگرش محیط‌زیستی را نشان می‌دهد. این نتیجه بیانگر آن است که افراد مورد بررسی از نظر نگرش و طرز تلقی، به حفاظت و مراقبت از محیط زیست گرایش نشان داده اند. و در نهایت، میانگین متغیر رفتار بازیافت ۲/۶۶ (از ۵) می‌باشد که سطح متوسطی از رفتار زیست محیطی را نشان می‌دهد.
در قسمت تحلیل داده ها با استفاده از تکنیکهای آماری مقتضی، متناسب با سطح سنجش متغیرها، داده های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است . در این قسمت، رابطه رفتار بازیافت با متغیرهای مستقل تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای سنجش و ارزیابی رابطه بین متغیرهای پارادایم نوین اکولوژیکی و نگرش نسبت به بازیافت با متغیر وابسته (رفتار زیست محیطی) از ضریب همبستگی اسپرمن استفاده شده است که نتایج آزمون به شرح زیر می باشد.

جدول شماره (۱): ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل با رفتار زیست محیطی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار آزمون همبستگی	سطح معناداری
نگرش محیط‌زیستی (NEP)	رفتار زیست محیطی	./۵	./۰۰۰
نگرش نسبت به بازیافت		./۴۴۶	./۰۰۰

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، بین پارادایم نوین اکولوژیکی با رفتار بازیافت رابطه معنی دار ضعیفی در سطح معناداری کوچکتر از ۰۵/. مشاهده می شود. همچنین بین نگرش نسبت به بازیافت با رفتار زیست محیطی ارتباط معنی داری در سطح معناداری کوچکتر از ۰۱/. و اطمینان ۹۹/. وجود دارد. همچنین رابطه هریک از متغیرهای زمینه ای با متغیر رفتار زیست محیطی ، مورد سنجش قرار گرفت که نتایج هر یک از آزمونها در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره (۲): ضرایب مربوط به ارتباط متغیرهای زمینه ای با رفتار زیست‌محیطی

متغیر وابسته	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری
رفتار زیست محیطی	اسپیرمن	./۰۱۸	./۷۲۵
	پیرسن- وابسته این	-۰۲۵۴۵	./۰۱
	پیرسن- وابسته این	-۰۱۴۸	./۴۲۸
	اسپیرمن	./۰۶۲	./۰۸
	کروسکال والیس	۲۴/۴۱	---
	اسپیرمن	۲۲۲	---

نتایج جدول فوق را می توان بدین شیوه خلاصه کرد که عبارتند از:
- بین سن با رفتار زیست محیطی ارتباط معنی داری بدست نیامد.
- رفتار زیست محیطی در بین مردان بیشتر از زنان بوده است.
- میزان رفتار زیست محیطی در بین افراد مجرد و متأهل متفاوت نیست.
- میزان تحصیلات با رفتار زیست محیطی ارتباطی ندارد.
- میزان رفتار زیست محیطی در بین گروههای شغلی (کارگر، کارمند، شغل آزاد، معلم/استاد، محصل/دانشجو، خانه دار، بازنشسته و بیکار) متفاوت است.
- و با افزایش درآمد افراد، میزان رفتار زیست محیطی اظهار شده نیز بیشتر شده است.

در نهایت برای انجام تحلیل رگرسیونی، متغیرهای مستقلی که همبستگی‌شان با متغیر وابسته در مراحل قبل به اثبات رسید (نگرش نسبت به بازیافت، پارادایم نوین اکولوژیکی، سن) وارد مدل رگرسیونی شدند. برای آگاهی از چگونگی روابط هم خطی[3] بین متغیرهای مستقل از آماره تولرانس[4] استفاده شده است. لازم به ذکر است که از روش همزمان[5] برای ورود داده ها استفاده شده است. در این روش کلیه متغیرهای مستقل به طور همزمان وارد مدل می شوند تا تأثیر کلیه متغیرهای مهم و غیر مهم بر متغیر وابسته مشخص شود. در واقع، در این روش، تمامی متغیرها در یک مرحله به ترتیب حداقل مقدار تولرانس وارد تحلیل می شوند.

جدول شماره(۳): نتیجه آزمون تحلیل رگرسیون عوامل موثر بر رفتار بازیافت

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۳/۸۵۸	۴	۶/۲۱۹	۳۱/۴۳۱	./۰۰۰
مانده	۵۸/۵۷۲	۳۹۶	۱۵۸.		
کل	۷۲/۴۳۰	۳۹۹			

نتایج جدول بالا گویای آن است که اثر رگرسیون به طور کلی با مقدار F برابر ۳۱/۲۳ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. در ادامه، در تحلیل رگرسیون اثر هر یک از متغیرهای پیشبین با فرض ثابت بودن اثر سایر متغیرهای دیگر بر متغیر ملاک مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آن در جدول زیر مشاهده میشود:

جدول شماره (۴): تحلیل رگرسیون چندگانه بین متغیرهای مستقل با رفتار زیست محیطی

	ضریب همبستگی چندگانه(R)	ضریب تعیین چندگانه(R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
مقدار	۰/۵۳۷	۰/۲۹	۰/۲۸	۳۸۱.

همان‌طور که در جدول فوق نشان داده شده است، ضریب همبستگی چندگانه بین ۳متغیر آورده شده در مدل و رفتار زیست محیطی برابر۰/۵۱۶ است که با توجه به مقدار F و سطح خطای محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد (α =۰/۰۱) معنیدار است. ضریب تبیین چندگانه نیز برابر ۰/۱۹ است. بدین ترتیب مشخص میشود ۱۹ درصد از تغییرات رفتار زیست محیطی مردم متأثر از این سه متغیر میباشد. ضریب تعیین تعدیل یافته (R^2.adj)،این ضریب مربع همبستگی تعدیل شده را نشان میدهدکه در این تحقیق برابر با ۱۸٪ میباشد. این معیار نسبت به R^2 حقیقیتر است؛ زیرا لزوما با افزایش تعداد متغیرهای مستقل افزایش نمییابد، در حالیکه مقدار R^2تابع تعداد متغیرهای مستقل مدل است.بدیهی است سایر درصد تغییرات رفتار زیست محیطی ناشی از خطا و متغیرهایی است که محقق اندازه نگرفته است.
در جدول زیر نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به منظور آزمون بررسی اثر متغیرهای پیشبین بر متغیر ملاک (رفتار زیست محیطی) ارائه شده است. نتایج تحلیل رگرسیون(به روش همزمان) در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول(۵): ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر رفتار زیست‌محیطی

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون استاندارد نشده (بتا)	ضریب رگرسیون استاندارد شده	آزمون معناداری ضریب بتا	سطح معنی داری	ضریب تولرانس
سطح زیست محیطی	۰۵۸۶	...	۰۱۷۵	...	۰
نگرش نسبت به بازیافت	۰۵۳۹	۰۲۵۵	۹۰۷۵	۰۰۰۰	۰۳۸۸
پارادایم نوین اکولوژیکی	۰ ۰۱۷	۰ ۰۱۶۲	۰ ۴۰۵۵۲	۰۰۵۰	۰۸۰۱
درآمد	۰۱۰۷	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰۰	۰۸۸

یافته های جدول فوق نشان می دهد که متغیر درآمد با توجه به این که سطح خطای مقدار t آن بالاتر از ۰۵/. می باشد، بر متغیر رفتار بازیافت تأثیر ندارد. متغیر نگرش نسبت به بازیافت ۴۶۵/. است که عدد نسبتاً مناسبی را نشان می‌دهد و با توجه به سطح معناداری ذکر شده (۰/۰۰) معنادار است. ضریب تأثیر استاندارد به دست آمده برای متغیر پارادایم نوین اکولوژیکی ۱۴۲/. است که این مقدار عدد نسبتاً کوچکی را نشان می‌دهد اما با توجه به سطح معناداری ذکر شده (۰/۰۰) معنادار می‌باشد. ضریب تولرانس هم نشان می دهد که میزان هم خطی متغیرها کم است.

بحث و نتیجه گیری
افزایش روز افزون جمعیت و رشد و توسعه جوامع شهری و گسترش کلانشهرها، موجب شده است تا میزان تولید مواد زاید جامد رو به فزونی نهاده و این مسأله، به صورت یکی از معضلات و مشکلات بشر درآید که هم سلامت و هم محیط زیست او را در معرض خطر قرار دهد. علاوه بر این، خطرات دفن بهداشتی زباله که امروزه یکی از معضلات اساسی کشور به حساب می آید، به نوبه خود می تواند سلامت جوامع بشری را تهدید نماید. لذا داشتن برنامه های مدون بهداشتی و تدوین سیاستی پایدار در زمینهٔ جمع آوری، حمل و نقل، دفع و نیز جداسازی و بازیافت مواد زاید جامد و وضع قوانین قابل اجرا در این خصوص، می تواند جوامع بشری را از مشکلات ناشی از دفن غیر بهداشتی مواد زاید جامد رهایی بخشد. عوامل انسانی در تولید و بازیافت زباله نقش مؤثری ایفا نموده و لذا شناخت نگرش‌ها و گرایش‌های آنان کمک مؤثری در برنامه‌ریزی مدیریت زباله و بازیافت ارائه می‌نماید. لذا، این پژوهش سعی در جهت نگرش و رفتار مردم نسبت به محیط زیست و عوامل موثر بر آن انجام شد(۸).
در این پژوهش ارتباط و تأثیر متغیرهایی بر رفتار ریست محیطی به دست آمد که نشان از تأثیرپذیری زیاد عوامل اجتماعی در رفتارهای زیست محیطی شهروندان دارند. همانگونه که قبلا ذکر شد، محققان جامعه شناسی زیست محیطی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای زیست محیطی از جمله متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، طبقه اجتماعی، محل سکونت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و سن فرزندان)، گرایش سیاسی، ایدئولوژی سیاسی، عملکرد زیست محیطی ملت ها، آگاهی زیست محیطی و عقیده دینی پرداخته اند. همچنین با توجه به نتایج تحقیق سعی شده است که این نتایج را در کنار نتایج تحقیقات پیشین مقایسه کنیم که به صورت اختصار عبارتند از:
هرچه نگرش محیط‌زیستی افراد بالاتر باشد، رفتار بازیافت نیز - به عنوان جزیی از نگرش محیط‌زیستی- در سطح بالاتری قرار دارد. نتایج تحقیق بست و مایرل (۹) نیز ارتباط مثبتی بین نگرش محیط زیستی و رفتارهای زیست محیطی را نشان داده است. نتایج این تحقیق با تحقیق چیاه و فائو(۱۰)، امامقلی(۱۱) نیز همخوانی دارد. بین نگرش نسبت به بازیافت و رفتار زیست محیطی رابطه معنادار و مثبت به دست آمده است. که با نتایج تحقیق امامقلی ، شاهنوشی و عبداللهی (۱۲) همخوانی داشت. همچنین، ارتباط معنی داری بین جنسیت با رفتار رفتار زیست محیطی بدست آمد. که با نتایج تحقیق امامقلی همخوانی داشت(۱۱).
رابطه معناداری بین وضعیت تأهل با رفتار زیست محیطی بدست نیامد. که بر خلاف نتایج تحقیق امامقلی بود، ایشان رابطه معناداری بین وضعیت تأهل با رفتار محیط زیستی بدست آورد. نتایج تحقیق افروز و همکارانش(۱۳) حاکی از ارتباط معنادار بین میزان درآمد و تولید زباله بوده است. همچنین نتایج تحقیق مهمت اغلو(۱۴) نیز با نتایج این تحقیق همخوانی دارد، ایشان نیز ارتباط مثبتی بین میزان درآمد با رفتار محیط زیستی در محیط های تفریحی را نشان داده اند. همچنین بین رفتار بازیافت و سطح تحصیلات پاسخگو رابطه معناداری وجود ندارد. وانگ و همکارانش (۱۵) نیز ارتباط معناداری بین تحصیلات و رفتار بازیافت زباله‌های الکترونیکی نیافته‌اند. همچنین نتایج تحقیق مهمت اغلو نیز با نتایج این تحقیق همخوانی دارد، ایشان نیز به این نتیجه رسیده اند که ارتباط مثبتی بین میزان سواد با رفتار محیط زیستی در محیط های تفریحی وجود ندارد. اما نتایج این تحقیق برخلاف نتایج تحقیق ابلیوتیس و دیگران (۱۶) بود که در تحقیق ایشان، میزان تحصیلات، مهمترین عامل مؤثر بر اقدام والدین برای بالا بردن سطح آگاهی محیط زیستی فرزندان بود.
طبق نتایج این پژوهش، با توجه به تحقیقات پیشین و اینکه انتظار می رفت متغیر سطح تحصیلات با رفتار بازیافت ارتباط معنی داری داشته باشد. اما ارتباط معنی داری بین این دو متغیر بدست نیامد. حال این سؤال اساسی مطرح می شود که چرا میزان تحصیلات تأثیری در میزان رفتار بازیافتی ندارد؟ در پاسخ به این سوال می توان گفت که: به علت عدم انسجام کافی موضوع و عدم کاربرد رویکردهای اصولی در خصوص آموزش محیط زیست، آموزش های صورت گرفته تأثیر چنانی در افزایش دانش زیست محیطی افراد نداشته اند(۱۷) همچنین، نتایج پژوهش های صورت گرفته در حوزه وضعیت آموزش محیط زیست توسط محققان مختلف، از جمله یعقوب (۱۸) نشان می دهد که مطالب اختصاص یافته به آموزش محیط زیست در کتاب های درسی هم از نظر حجم مطالب نسبت به کل محتوای برنامه درسی و هم از نظر کیفیت مطالب ناکافی است. بنابراین می توان چنین فرض نمود که به علت جدید بودن آموزش محیط زیست در ایران و نبود محتوا و کیفیت مناسب آموزش محیط زیست در نظام آموزشی ایران، نمی توان از کسانی که دارای تحصیلات بالایی هستند، انتظار داشت که دارای رفتار بازیافتی مناسب باشند.
هرچند متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر، متغیرهای تأثیرگذاری در پیش‌بینی رفتار بازیافتی افراد می‌باشد، اما با توجه به آنچه که نتایج نشان داده است، در پژوهش‌های آتی می‌بایست به دنبال عوامل دیگری برای بررسی و پیش‌بینی رفتارهای محیط‌زیستی بود.

پیشنهادات
در نهایت با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق فوق، پیشنهادهای زیر به محققان و علاقمندان در زمینه فعالیت‌های زیست محیطی ارائه می گردد:
– همان‌طور که ملاحظه شد تحقیق حاضر در یك سطح نسبتاً محدود (محدوده شهری شهر مریوان) انجام شده است. لذا لازم است که در محدوده گسترده تری مورد توجه قرار بگیرد و لازم است تا محققان بعدی به این موضوع توجه کنند.
– با توجه به یافته های توصیفی مربوط به متغیر رفتار زیست محیطی، ضروری می نماید که اقداماتی در این خصوص صورت گیرد. برای ایجاد رفتار زیست محیطی که از عوامل مختلفی تأثیر می پذیرد، باید رفتار زیست محیطی مردم به نحو بهتری ارتقا یابد. این امر از طریق آموزش های همگانی با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و برگزاری کلاس های آموزشی و همایش های زیست محیطی در شهر مریوان امکان پذیر است. لذا متولیان امر محیط زیست از جمله سازمان محیط زیست، شهرداری و سایر ارگان های مرتبط با امر محیط زیست در شهر مریوان می توانند به برگزاری کلاس های آموزشی و همایش های زیست محیطی نمایند.
– همچنان که ذکر گردید، با توجه به توریستی بودن شهر مریوان و همچنین با توجه به وجود تالاب زریوار در این محدوده، لازم است تا تحقیقات مشابه بیشتری در ارتباط با رفتارهای زیست محیطی صورت گیرد.

منابع در دفتر نشریه موجود است.

---

۱ Survey
۲ cochran
۳ Multiple Linear Regression
۴ Tolerance
۵ Enter Method

عملکرد شهروندان محیط‌گرا در زمستان اقلیمی

■ ناصح قادری
پژوهشگرمحیط‌زیست

دو نوع فصل از نظر موقعیت زمانی وقوع پدیده‌های سرما و گرما قابل تعریف هستند. فصول تقویمی و فصول اقلیمی. منظور از فصول تقویمی فصولی هستند که به موجب تاریخ تقویم کشور شروع و خاتمه‌می‌یابند.

مثلاً فصل زمستان تقویمی به بازه زمانی اول دی ماه لغایت آخر اسفند ماه سال گفته می‌شود.اما آغاز و پایان فصل زمستان اقلیمی لزوماً از نظر تاریخ وقوع منطبق با بازه زمانی تقویمی نیست، بلکه در تعریف فصل زمستان اقلیمی بازه‌ای زمانی است که آغاز آن مصادف با استقرار توده‌های هوای پرفشار سرد معمولاً سیبریایی است که ضمن ایجاد پایداری در هوا، هوای مناطق سرد و این توده پوشش هوا به سمت عرض‌های پایین گسترش می‌یابند و پایان آن منطبق بر زمانی است که این پوشش هوا از منطقه مورد نظر رخت بربندد.

در زمستان اقلیمی غالباً هوا راکد و پایدار است و به دلیل این پایداری پتانسیل آلودگی هوا افزایش می‌یابد و هرگاه در اثر پایداری هوا پدیده وارونگی رخ دهد هوا فضای محبوس در گنبد گازی حول وارونگی به شدت آلوده می‌شود و تا حد کشندگی، هوا آلوده می‌شود. معمولاً در شرایط اینورژن پدیده مه دود نیز بروز می‌نماید، و هوای مناطق تحت این پدیده‌ها سلامت ساکنین را تهدید می‌کند.

در شرایط عادی در جو، با افزایش ارتفاع دمای هوا کاهش می‌یابد، هوای سرد سنگین می شود به مناطق ارتفاع پایین‌تر نشست می کند و هوای گرم سطح زمین صعود می‌کند. به این ترتیب تلاطم و صعود هوا باعث اختلاط لایه‌های هوا می‌شود و گازهای موجود در هوا اختلاط می‌یابند و توزیع گازها و آلودگی تقریباً در بیوسفر متعادل می‌گردد، اما در شرایط اینورژن در ارتفاع خاصی از تروپوسفر آتمسفر طبق روال عادی با افزایش ارتفاع، دمای هوا کاهش نمی‌یابد، بلکه هوای گرم در بالا قرار می‌گیرد و شرایط برای صعود و اختلاط هوا فراهم نیست، هوای محبوس زیرین آلوده و آلوده تر می‌شود. علی الاصول در فصل زمستان اقلیمی هوا سرد می‌شود و طبق روال هر ساله آلودگی هوای مناطق شهری در برخی از کشورهای جهان به عنوان پدیده‌ای زیان بار ساکنین مناطق شهری را تحت اثرات و پیامدهای نامطلوب خود قرار می‌دهد، عده‌ای را راهی بیمارستان می‌کند و عده‌ای نیز بدلیل اختلالات قلبی و تنفسی در نبرد با مرگ مغلوب می‌شوند.

خسارات آلودگی هوا در دنیا فراوان است و در کشورهایی که توسعه ناموزون و غیر متکی بر قابلیت‌های منطقه‌ای و آمایش سرزمین دارند، بیش از سایر نقاط دنیا است. به گفته معاون وزیر بهداشت، ارزش مالی انواع خسارات ناشی از آلودگی هوا در ایران ۳۴۰۰۰ ملیارد تومان است(خبر شبکه یک سیما، تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۷).

به طور کلی کیفیت هوا تابع گازهای موجود در هوا و میزان این گازها است. هرگاه نسبت این گازها به هم بخورد، باعث اختلال در فیزیولوژی انسان، جانوران، گیاهان و کاهش راندمان انسان، جانوران و حتی صنایع و ماشین‌آلات می‌شود. مهم‌ترین گازهای طبیعی موجود در هوا عبارتند از؛ ازت، اکسیژن، دی اکسید کربن به علاوه مقادیری از گازهای دیگر و منواکسید کربن. هرگاه نسبت و مقدار این گازها از حد متعادل بگذرد آلودگی هوا را باعث می‌شود.

در فصل‌های بهار و تابستان به دلیل افزایش طول روز و تابش خورشید، تغییرات جوی، فعالیت درختان و گیاهان، سکون و رکود جوی حاکم نیست و اگرچه در اواخر بهار و در کل تابستان هوای ایران تحت تأثیر پرفشار جنب حاره‌ای است، اما تغییرات و جابجایی لایه‌های جوی و به تبع آن تصفیه، پالایش و اختلاط هوا مانع تشکیل سلول‌های بزرگ آلودگی ساکن بر مناطق شهری و صنعتی می‌شود و در مقایسه با زمستان در شرایط یکسان تهدید خطر آلودگی کمتر است.

در فصل زمستان تحت تاثیر اینورژن در لایه‌های تروپسفر اتمسفر، اختلاط و سیرکولاسیون هوا در برخی مناطق و در زمان سکون و پایداری هوا متوقف می‌شود. این پدیده در مناطق شهری و صنعتی بحران آلودگی را شکل می‌دهد. در زمستان اقلیمی دوره استیلای پرفشار سرد بر جو از یک طرف شرایط برای انجام اینورژن بیشتر است و از طرفی نقش انسان و شرایط فعالیت و حیات در این فصل، شرایط را برای شکل‌دهی آلودگی تشدید می‌کند. البته نعمت بارش که در پاییز و زمستان وجود دارد باعث پالایش هوا و اختلاط آلودگی می‌شود اما منواکسید کربن با وجود بارش هم از بین نمی‌رود.

منواکسید کربن حاصل احتراق ناقص سوخت‌های فسیلی است و چون در آب باران حل نمی‌شود به بروز بارندگی هم باقی می‌ماند و تنها حرکت مکانیکی هوا از طریق اختلاط و افزایش تراکنش و توزیع در لایه‌های هوا غلظت آن را کاهش می‌دهد، پس توجه به زمستان اقلیمی از نظر آلودگی هوا و از دو منظر حاکمیت هوای پایدار و ساکن سرد که پیش نیاز بروز پدیده وارونگی دما است و افزایش میزان دی‌اکسید کربن و منواکسید کربن در اثر افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی در این فصل مهم است. به علاوه نیاز به استفاده از خودرو در زمستان افزایش می‌یابد و تحت تأثیر سرما پنجره‌ها و کانال‌های تهویه هوا در منازل، مدارس و کارگاه‌ها و کارخانجات بیشتر مسدود هستند و در محیط‌های بسته غلظت گاز دی اکسید کربن نیز بیشتر از فصل تابستان است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند بعنوان مثال در ۹۲ درصد کلاس‌ها غلظت روزانه دی‌اکسید کربن بیش از هزار قسمت در میلیون بوده‌است. در مجموع سرعت تردد خودروها در مناطق شهری در فصل سرد کمتر، توقف خودروهای روشن بیشتر و مدت روشن ماندن خودرو و مصرف سوخت بیشتر و راندمان ماشین از لحاظ مصرف و کارآیی بنزین کاهش می‌یابد.

درتهران صنعتی که بوسیله صنایع پیرامونی محاصره شده است، نقش خودرو در آلودگی هوا از ۷۰ درصد تا ۸۸ درصد در زمان های مختلف متفاوت است، اما در سنندج و شهرهای غیر صنعتی مناطق غرب، بدون شک به دلیل صنعتی نبودن سهم خودرو در آلودگی بیشتر است.

نتیجه می‌گیریم در زمستان اقلیمی که معمولاً از اواخر آذر ماه شروع می‌شود، پتانسیل آلودگی هوا افزایش می‌یابد و برای کاهش این آلودگی و پیامد آن بر سلامت و زندگی مردم و محیط زیست ناچاریم اقدامات زیر را انجام دهیم؛

۱- اولویت دهی استفاده از وسایل نقلیه جمعی و عمومی، اتوبوس، تاکسی و ...

۲- استفاده کمتر از خودرو از طریق مدیریت زمان و اختصاص زمان بیشتری برای رفتن به محل کار و برگشت بدون خودرو.

۳- استفاده گروهی اعضای خانواده، همکاران و دوستان از خودرو و استفاده کمتر از خودرو به صورت تک سرنشین.

۴- عدم استفاده از خودرو در رفتن به مهمانی‌ها و قرار ملاقات‌های دارای مسیرهای کوتاه.

۵- تنظیم موتور خودرو در آغاز فصل سرما و انجام سرویس‌های لازم.

۶- کاهش دمای هوای محیط کار، کلاس و محیط زندگی به حدود ۱۹-۲۱ درجه سانتیگراد.

۷- عادت گیری و عادت دهی فرزندان به استفاده از پوشاک و لباس بیشتر و گرم‌تر در زمستان به جای ایجاد محیط گرم‌تر می تواند در کاهش دمای هوای محیط کار و زندگی به افراد کمک نماید.

۸- سرویس و کنترل کارکرد مناسب وسایل گرمازای منازل، ادارات، مدارس و کارخانجات.

۹- خودداری از آتش زدن زباله‌ها، مواد پلاستیکی و اشیاء و اجسامی که غالباً سیمای شهر را نیز دودآلود می‌کنند.

در آخر ابتکار عمل خود شما خوانندگان و شهروندان به انجام اقداماتی که مانع

ضرورت آموزش زیست محیطی در مدارس

■ سمیه رحیمی

محیط زیست به عنوان محیطي كه در آن زندگي مي كنيم شامل گستره زيادي از مسائل زيستي تا فرهنگي مي باشد كه هر كدام به نوبه خود در شكل دادن به تفكر و زندگي ما سهيم هستند؛ به اين معني كه هر چيزي در محدوده زندگي ما جزو محيط زيست ماست و بايد با رفتار و تعامل معقول با آن در صدد ايجاد محيطي مناسب براي رشد خود و آيندگان باشيم. تعريف بالا از محيط زيست معناي عام محيط زيست را شامل مي شود، در حالي كه تعريف اخص آن عبارتست از منابع خدادادي شامل آب، خاک، هوا و جانداران كه ما را احاطه كرده اند و تاثيرات بسياري بر زندگي ما به عنوان موجوداتي در اين چرخهٔ زيست محيطي دارند. امروزه هر دو معناي عام و خاص محيط زيست مورد توجه بوده و سازمان ها و ادارات مربوط به محيط زيست گستره فراواني از كار رادر زمينه هاي مختلف بر عهده دارند و در امور مختلف فرهنگي، اجتماعي و حتي سياسي نيز مداخله مي كنند. اساس رشد و تكامل جوامع بشري منوط به تعاملي معقول با منابع خدادادي است كه تاثيري قاطع در رسيدن به توسعه پايدار ايفا مي كنند به گونه اي كه وجود مطلوب اين امر ما را در رسيدن به اين هدف ياري مي كند. محيط زيست سالم از جمله اهداف هزاره بوده و آينده حيات بشر بر اين كره خاكي پيوندي ناگسستني با نحوه تعامل ما با طبيعت دارد به نحوي كه بشر براي ماندن محكوم به احترام با محيط زيست است. اين تعامل اكتسابي بوده و در كشورهاي توسعه يافته اهميت بسياري براي آموزش اين مباني قايل هستند و در سطوح متفاوت تحصيلي به آن مي پردازند و رسانه ها و جراید عمومی به آموزش همگانی آن مبادرت می ورزند و نسبت به رخدادهای زیست محیطی به شدت حساس می باشند. متاسفانه فقدان واحدهايي در زمينه آموزش مسايل زيست محيطي به منظور افزايش سطح آگاهي هاي عمومي در نظام آموزشي كشور جهت متوقف ساختن روند پر شتاب نابودي طبيعت از سويي و عدم اهتمامی جدی و همه گیر در رسانه ها و جراید در این عرصه از دگر سو به شدت احساس می شود. امروزه در تمام کشورهای پیشرفته اعتقاد بر این است که اگر اخلاق زیست محیطی در ذهن و اعتقادات کودکان نهادیه شود بسیاری از مسایل و معضلات جامعه حل خواهد شد. مهم ترین هدف در ارتقای فرهنگ زیست محیطی افراد جامعه، ایجاد شناخت در مورد اهمیت تعامل انسان با محیط زیست و تاثیر عملکرد وی به صورت منفی یا مثبت بر محیط است. تاثیراتی که بازخورد های مثبت و منفی آن از سوی طبیعت نیز به بهترین شکل ممکن، خود را دیر یا زود نمایان خواهد ساخت. رکن اصلی در آموزش افراد، ایجاد توانمندی در آنان برای تصمیم گیری صحیح، تغییر رفتار و عملکرد و استفاده بهینه از منابع می باشد. هرچه آگاهی جامعه در مورد محیط زیست بیشتر باشد، اجرای عملکرد مناسب و رضایت مندی آنان نیز افزایش می یابد و هرچه اجرای قوانین زیست محیطی و احساس مسئولیت از سوی ایشان بیشتر اجرا شود، رابطه مثبتی با توانمندی روانی، خشنودی و ایجاد انگیزه درونی در افراد به وجود می آید. وجود و تثبیت این روابط است که دورنمای مسیر یک جامعه را بیشتر و بیشتر به جامعه ای سالم نزدیکتر می سازد(شمسی راحمی – منصور طاهری ۱۳۸۳). ساختار توانمندسازی زیست محیطی شامل دادن اطلاعات، ایجاد منابع لازم برای تصحیح عملکرد افراد و حمایت ارگان ها از مردم برای اجرای مقررات است. میزان سلامت، بهره وری و کیفیت زندگی افراد، ارتباط نزدیکی با شرایط و سلامت محیط آنان دارد، لذا باید سرمایه گذاری لازم به منظور گسترش فرهنگ زیست محیطی شهروندان صورت گیرد. برای آموزش افراد جامعه در مورد پیشگیری از تخریب محیط زیست، لازم است ابتدا نیاز افراد در ارتباط با ارتقای فرهنگ زیست محیطی در سنین و گروه های مختلف جامعه تعیین و سپس برنامه ریزی منظم و بر مبنای اولویت نیازها در ایجاد شناخت، تغییر در نگرش و ایجاد عملکرد صحیح در جامعه صورت گیرد(حسن اصیلیان، ۱۳۹۴). در این مورد حمایت آموزش و پرورش در اجازه ورود مربیان تعلیم دیده به مدارس و برنامه ریزی های مرتبط با جامعه هدف از سوی این مربیان، ساختاری را ایجاد می نماید تا گفتمان زیست محیطی را در جامعه مسلط نماید. تربیت نسلی آگاه و مسئول در برابر محیط زیست با تاکید بر اصول اساسی حفاظت از محیط زیست، مسئولیت پذیری همگانی، نگرش سیستمی و آینده نگر، نظم جمعی، اهمیت منافع عمومی و احترام به آن، صلح طلبی و ترویج باور به برابری از اساسیترین موضوعاتی است که در قالب کلام های درخور سنین جامعه هدف و از درون ارتباطات پیچیده در طبیعت قابل آموزش، یادگیری و یادداری است. بار این ترویج تا کنون و در سطوح مختلف بیشتر بر دوش سازمان های غیر نهاد بوده و آموزش و پرورش چند سالیست که در این مسیر گام نهاده است. اگر چه این راه به خودی خود تازه است و در ایران نیز به تازگی در دستور کار قرار گرفته است اما این تصمیم، امری بسیار مهم است که می طلبد با پیشنهادات به جا و تعین سرفصل های درخور و شا یسته از سوی متخصصین امر، برای تمامی مقاطع اجباری شده و دانش آموخته گان محیط زیست امر آموزش را بر عهده گیرند. برای این کار نیز علاوه بر تجارب موفق جهانی، تجربیات ارزنده ای نیز در اختیار «ان جی او» هاست که می توان به عنوان نقشه راه از آن ها یاری جست. در پایان ذکر این نکته نیز ضروری است که نهادینه شدن فرهنگ در هر جامعه مستلزم گذشت زمان است. فرهنگسازی با تکرار، تذکر و آگاهی به وجود میآید و افراد جامعه به مرور زمان به فرهنگ جدید تن خواهند داد. اگر امری عمومیت و موضوعیت پیدا کند، دیگر اقلیتی از آحاد جامعه، موفق به هنجارشکنی نخواهند شد چرا که افراد مخالف با عرف اجتماعی و فرهنگی آنها، عکس العمل عموم افراد جامعه را در پی خواهد داشت لذا و هماکنون باید به فکر اقدامات جدی در خصوص فرهنگسازی عمیق و ریشه‌ای در زمینه محیط زیست باشیم که با فکر و ذهن مردم عجین گردد تا تک تک افراد جامعه خود حافظانی برای محیط زیست باشند. این کار در جوامعی مثل ما از سختی های دوچندانی برخوردار است و عزمی همگانی و جدی را برای اصلاح نسل ها می طلبد تا بتوان با حرکت در مسیر توسعه ناهمواری های پیش رو را به آسانی کنار زد به ویژه مسئولین آموزش و پرورش و مدیران مدارس باید درهای کلاس دانش آموزان را بر روی هر دانش زیست محیطی ای باز بگذارند تا چه از طریق معلمین و چه از طریق انجمن های زیست محیطی و غیره، شعور زیست محیطی جامعه را ارتقا بخشند.

ناوی ئاژەڵان لە پەندی پێشینیان و کولتووری کوردەواریدا

(بەشی دەهەم)

■ ئەحمەد موسەنەفی

پیتی لام

لاک کەوت لە دەور و لەلای ماڵ، دێنە سەری **قەڵ و داڵ**
لاک قابیلی سەگە
لای قەسابخانە، سەیرانگای **سەگە**
لۆتی بە زەبری داری، **مەیموون**
ئەخاتە یاری
لە ئاوی کەم، **ماسی** گەورە هەڵناکەوێ
لە ئاوی لێڵ **ماسی** ئەگرێ
لە ترسی گێرە، بووە بە **مانگا**
لە **چۆلەکەی** نێر شەرم ئەکا
لە چەمی وشکا **ماسییەراو** ئەکا
لە حەوت **بەچکە بولبوڵ**، یەکیان دەنگی خۆشە
لە **سەگی** دڕ و ئافرەتی دەمشڕ بترسە
لە **سەگی** نهێنگیر بترسە
لە **سەگیش** سواڵ ئەکا
لە **شێر** ترسان عەیب نییە
لە **شێر** هێرش و لە ئاسک دەرچوون
لە **شێر شێر** ئەبێ، لە **ڕێوی ڕێوی**
لەناو **گاگەلا گای** قەشقە دیارە
لە **گورگ** ئەترسیت، ئاژەڵ مەترسێنە
لەگوێی **گادا** خەوتووە
لەگەڵ **گورگ** هەڵئەپەڕێ، لەگەڵ **مەریش** ئەگەڕێ
لەگەڵ **گورگ** کەوتە دزین، لەگەڵ شوان کەوتووەتە شین
لە **ماینی** نەبوو ئاخور ئەبەستێ
لە **ماینی** بچووک **ئەسپی** چاک نابێ
لە **مریشکی** بەکر، هێلکە ئەدزێ
لە **ڕێوی** هەڵهات، کەوت بە مل **شێرا**
لە هەر جێگەیەک **پشیلە** بمیاوێنێ، **مشک** ناجیکێنێ
لە هەر جێگەیەک **مریشک** ببێ، **ڕێویش** هەیە
لە هەر لا ئاشە، **کتک** فەراشە
لەقەی **ماین** ئێشی نییە
لەگەڵ **سەگا** شەڕ ئەکا، لەگەڵ **گورگیش** گۆشت ئەخۆا
لەگەڵ **ورچیشدا** ئەژی
لەگەڵ **سەگا** حەپەحەپ، لەگەڵ **کەرۆێشک** خەپەخەپ
لەگەڵ **ڕێوی ڕێوی** بە، لەگەڵ **پەپوولە پەپووڵە** بۆ
لەهەر کوێ **مەڕ** بێ، پشقەڵیش هەیە

پیتی میم

مار بە بە دەستی خەڵکەوە، کار مەدە بەدەستیانەوە
مار بۆ لای ئاگر ئەچێ بەشەوا
مار بیزانیایە ئەیکوژن، نەئەهاتە دەر لە کون
مار بە زوانی خۆش لە کون دێتە دەر
مار لە گەرمادا ئەبووژێتەوە
مار خۆشی لە سیر نەئەهات، لە درگای کونەکەیا سەوز ئەبوو
مار پاسەوانی هێلانەی مەلە
مار کراژ فرە ئەدا، خۆی فرە نادا
مار لەسەرئاو دامەچلەکێنە
مار لە کونا، باسی کلکی خۆی بۆ ناکرێ
مار نەچیر بخوات، دەئاڵێتە دار
مار مار بخوات ئەبێتە **ئەژدیها**
مار ئەدا بە گیانەوە، نەزان بە ئیمانەوە
مار تماشای **مرواری** کا، کوێر ئەبێ
مار بە کلکی خۆی دەری ئەکێشن
مار تا جوان سەری پان نەکەیتەوە، لێی بترسە
مار باشترە لە **تووڵەمار**
مار خاک ئەخوا، خاکیش **مار** ئەخوا
مار سەری لێ شێواوە، ئەچێتە ڕێگەی کوتک بەدەس
مار لە کونی بچووکدا کلکی دیارە
مار خەوتوو ناگەزێ
مارانگەستە، لە کوریسی ڕەش و چەرموو ئەترسێ
مارانگەستە لە خشەی پووش و پەڵاش ئەترسێ
مارگر، ئاخری مار ئەیخوا
مارماسی مەبە، یا **مار** بە یا **ماسی**
ماری بێ ئیجازەیە
ماری مارخۆریش هەیە
ماری ڕەش، هێقی بۆ ئەکاتەوە
مارەتۆپۆ مەخەرە بەرپێم
مارەخۆڵینە
مار هەرچی پێچ بدا لە خۆی، هەر بە ڕاستی ئەچێتە کون
یاخوا **سەرەمار** گەرمی نەبێتەوە
نە **مار** کلکی خۆی لەبیر ئەچێ، نە باخەوان کور
ئەو **مارەمان**کوشت تۆ لێی ئەترسای
ئەونە شیرینە، بە ژەهری **مارەوە** ئەخورێ
ئەونەی لێداوە، هەنگوین بەلایەوە ژەهری **مار**
ئەونە تاڵە، ئەڵێی سەرکلکی **مارە**
ئەڵێی لە گەرووی **مار** هەڵکشاوە
بچێ بەلای **مارا** کلکی ئەبڕێ
بە نەوگ دیانی **مار** دەرئەهێنن
پێ لەسەر **مار** دامەنێ
پێ مەنێ بە **مارا** پێتەوە نادا
تریاکت ببێ لە **مار** ناترسی
چاوی **مار و چۆلەکە** دەرئەهێنێ
خزمت **مار** بێ، با هەزار بێ
دز و **گورگ و مار**، بە شەو ئەکەن کار
ئەچێتە کونی **مار و دووپشک**
دەس کەیت بە چەن کونا، لە کونێکا ئاخری **مار**ئەتگەزێ
دەس کەیت بە کونی **مارا** ئەتگەزێ
دەستی خۆی نییە **ماری** پێ ئەگرێ
زستان خۆشە لە بەهار، خەوتوون **دووپشک و مار**
زمان **مارە، گورگی هارە**
زێری بێ بار، بە **زەهری مار** شەرعی **مار** بە دار
عاقڵ دوو جار لە کونێکەوە **مار** نایگەزێ
قرپۆک بیشت گەزێ، بە **مار** نابێ

آب مایه حیات، قدرش را بدانیم

▪ سیوان امینی
فعال محیط زیست

آب مایه حیات و فراوانترین ماده بر روی سطح کره ی زمین است. بیش از ۷۵ درصد بدن یك انسان از آب تشکیل شده است و نیز بیش از ۷۰ درصد سطح کره ی زمین را آب پوشانده است و با وجود این حجم عظیم آب، تنها حدود ۲ درصد از آبهای کره ی زمین شیرین، قابل شرب و قابل استفاده برای کشاورزی و صنعتاست
انسان برای انجام فعالیت هایش به آب شیرین نیاز دارد. آب شیرین یعني آبي که میزان نمك آن بسیار کم است و همان آبی ست که ما می نوشیم و اکنون اغلب به سهولت به آن دسترسی داریم. آب اقیانوس و دریاها شور است و استفاده کردن از آنها نیازمند تصفیه کردن است که این کار تجهزیات و هزینه های سر سام آوری به همراه دارد. متاسفانه آب شیرین دنیا به خاطر ذوب شدن یخ ها در قطب های شمال و جنوب و همچنین استفاده نادرست و تبخیر به تدریج درحال کاهشو کمتر شدن مي باشد، ماده ای که در صورت نبودنش حیات معنایی نخواهد داشت. امروزه به خاطر جمعیت بسیار بالای ما انسان ها وهدررفت بالای آب ، در بعضی از مناطق دنیا با کمبود آب روبرو هستیم و آب کافی برای نوشیدن و زندگی در اختیار نداریم. آب های در دسترس ما یا از طریق بارش برف و باران تامین می شوند که در رودخانه ها یا دریاچه ها یافت می شوند که به آن ها آب های سطحی می گوییم یا از طریق چاه و قنات به دست می آیند که زمانی در خاک نفوذ کرده و زیر زمین انبار شده اند که به آن ها آب های زیر زمینی می گوییم. شیوه استفاده و استخراج هرکدام باید مدیریت شود و امروزه در مهندسی آب با انواع شیوه های برداشت می توان بهره برداری از منابع آبی را انجام داد اما این بهره برداری باید خردمندانه و به صورت پایدار صورت بگیرد و بدون برنامه پروژه های آب برو توسعه ای ایجاد نکنیم به عنوان مثال بیشترین مصرف آب انسان ها در کشاورزی است که بسیاری از آب های شیرین ما را هدر می دهد وهنوز الگوی کاشت مشخصی در ایران تعریف نشده است اگر می بود که در جنوب هندوانه کشت نمی شود یا این همه اصرار بر خودکفایی گندم نمی داشتیم. باید با استفاده از روش های جدید آبیاری میزان استفاده از آب را تا حد بسیار زیادی کاهش دهیم تا هم کشاورزی رونق داشته باشد و هم آب را هدر نداده باشیم. ما باید محصولاتی را کشت کنیم که به آب کمتری برای رشد نیاز داشته باشند. بجای شستن ماشین با آب شهری ویا آب چاه، ازیک سطل آب ویک دستمال اسفاده کنیم، هنگام مسواک زدن از یک لیوان آب استفاده کنیم و شیر آب را بندیم زمان دوش گرفتن را کوتاه کنیم، هنگام شامپو و صابون زدن شیر آب را ببندیم، با تکرار این رفتارهای ساده و خردمندانه می توانیم الگوی خوبی برای مصرف آب باشیم و اگر نزدیکان خودمان یا دیگران آب را هدر می دهند محترمانه به آنها تذکر هیم
خود ما هم در مصرف آب باید هوشیار باشیم تا منابع آب شیرین را آلوده نکرده و آن را اسراف نکرده باشیم.

هنگام حمام کردن، مسواک زدن، ماشین شستن و تمیز کردن حیاط خانه و کوچه مراقب باشیم تا آب، این ماده گرانبها را از دست ندهیم، مثلا به جای آب، با جارو حیاط و کوچه را تمیز کنیم و به بزرگتر ها هم بگوییم که نباید آب را هدر بدهند. بعضی ها از روی سادگی فکر می کنند آب چاه اشکالی ندارد تا هر طور که دلشان خواست از آن استفاده کنند اما این کاملا اشتباه بوده و منابع آب زیرزمینی ما را که برای سال های کم باران است از بین می برند. ارزش آب در زندگی بسیار بیشتر از شستن ماشین و کوچه است.
طبق آمار سازمان ملل در دنیا یک میلیارد و صد ملیون نفر به آب آشامیدني دسترسي ندارند و روزانه کودکان زیادی به خاطر خوردن آب ناسالم بیمار شده و بعضی از آن ها متاسفانه جان خود را از دست می دهند. در منطقه ما خوشبختانه آب سالم و کافی برای همگی وجود دارد اما اگر شیوه های استفاده خود را درست نکنیم احتمال دارد ما هم با کمبود آب مواجه شویم ولی با کمک شما می توان آینده سرسبز و آبادی را برای سرزمین خودمان درست کنیم تا همگي با نگاه به شیوه های ما در استفاده درست از منابع آب، مشکلات خود را رفع نمایند و دیگر هیچ کسی از نبود آب رنج نکشد چراکه اگر ما بیشترازحق خودمان آب مصرفکنیمحقدیگرانراضایعکردهایم.
آب محدود است،هرگز آن را با پول مقایسه نکنیم. وقتی نمی توانیم آب تولید کنیم ،پس به اندازه مصرف کنیم و از یاد نبریم که گوش دادن به نوای دلنشین آب و به نظاره نشستن چشمه ها، رودخانه ها، آبشارها و دریاها آرامشی به همراه دارد که در هیچ چیز دیگری شبیه آن را نمی توان به دست آورد.

ششمین انقراض گروهی تاریخ زمین

▪ محمد شریفی
زمین شناس

فرض کنید که ما همراه با گروهی از دوستان و خویشاوندان خود سوار بر یک سفینه فضایی در فضای بیکران بین ستارگان در حال سفر هستیم. سفینه حامل ما چندان مستحکم نبوده و نیاز به مراقبت بسیاری دارد و اگرچه هنوز مسافت زیادی تا مقصد نیز در پیش داریم، اما ذخیره آب و غذایمان محدود است. به نظر شما، ما و سایر سرنشینان این سفینه فضایی در طول سفر باید چه تمهیداتی را بیندیشیم که درنهایت سلامت به مقصد خود برسیم؟ مطمئناً پاسخها یکسان و مشابه خواهد بود و آن اینکه از ذخایر آب و غذای خود به‌طور بهینه بهره بگیریم تا در طول مسیر، با کمبود و مشکلاتی ازاین‌دست مواجه نشویم. علاوه بر این، به دلیل آسیب‌پذیر بودن فضاپیما، به‌دقت بدنه، موتورها و سایر بخش‌های آن را به‌طور پیوسته موردبررسی قرار داده و در صورت بروز هرگونه نقصی، به‌سرعت برای رفع آن برآییم. حال به وضعیت خود بنگریم، به‌راستی که زمین نقش این فضاپیمای آسیب‌پذیر را ایفا می‌کند که ما و سایر ساکنان سیاره سوار بر آن، در یک فضای بیکران در حال حرکت هستیم. اکنون می‌توان بار دیگر این سؤال را مطرح نمود که نقش ما و سایر سرنشینان این سیاره در قبال آن چیست؟ یقیناً باید پاسخ‌هایمان مشابه با مورد پیشین در مورد فضاپیما باشد، اما آیا واقعاً این‌گونه است؟ پس به‌راستی چرا انسان از سیاره خود که همان نقش فضاپیما را بازی می‌کند، نه‌تنها محافظت نمی‌کند، بلکه به‌شدت در حال تخریب آن است و به‌جای استفاده بهینه و صحیح از منابع، در حال زیاده‌روی و اسراف است؟ چرا انسان در قبال آینده خود و سایر ساکنان سیاره احساس مسئولیت نمی‌کند و این‌چنین افسارگسیخته عمل می‌نماید؟ آیا انسان خود را با واژه انقراض بیگانه می‌داند یا واقعاً از مفهوم آن بی‌خبر است؟
انقراض یک‌گونه به معنای از بین رفتن تمام اعضای آن‌گونه خاص است و به‌عبارت‌دیگر پایان زندگی آن بر روی زمین... انقراض یک‌گونه معمولاً به دلایل مختلف ازجمله از بین رفتن زیستگاه و نامناسب شدن شرایط برای ادامه بقا اتفاق می‌افتد که گاها این نامناسب شدن شرایط برای بقا در سطح وسیعی رخ‌داده و موجب انقراض تعداد بیشتری از گونه‌ها می‌گردد.
طبق نظر دانشمندان و صاحب‌نظران، اگر حداقل بیش از پنجاه‌درصد گونه‌هایی که هم‌زمان بر روی سیاره زندگی می‌کنند، تحت تأثیر انقراض قرار گیرند، به آن‌یک فاجعه زیستی یا انقراض گروهی اطلاق می‌گردد. اگرچه در طول تاریخ تکامل حیات، سیاره زمین با واژه انقراض به‌خوبی آشناست اما تنها در معدود مواردی حجم انقراض گونه‌ها به میزانی بوده است که بتوان از آن به‌عنوان فاجعه زیستی نام برد، تعداد محدودی که می‌توان آن‌ها را با انگشتان یکدست نشان داد، تنها پنج مورد در ۵۴۰ میلیون سال گذشته! دقت کنید ۵۴۰ میلیون سال! سیاره زمین، معجزه الهی، سیاره‌ای بی‌نظیر و پیر که تنها سیاره موجود در میان تمام کائنات لامتناهی پروردگار است که تاکنون حیات بر روی آن شناخته‌شده است. مجموعه نعمات و آیه‌های فراوانی بر روی زمین گسترانیده شده‌اند تا سیاره آبی‌رنگ با کمک آن‌ها بتواند میزبان شایسته‌ای برای حیات باشد. سیاره‌ای که در طول عمر چهار ونیم میلیارد ساله خود مهربانانه میزبان و پذیرای ساکنان بی‌شماری بوده است، ساکنانی از گونه‌های مختلف موجودات زنده که انسان یکی از آن‌هاست؛ و اگرچه انسان در میان این ساکنین، به‌عنوان یک تازه‌وارد قلمداد می‌گردد، اما در همین اندک زمانی که از ورودش می‌گذرد، چنان رفتار نموده است که یک فاجعه زیستی در حال وقوع است.
آری، حال زمین باید به نظاره روی دادن ششمین انقراض گروهی بنشیند که مجرم اصلی ماجرا، تازه‌وارد ناسپاس، انسان است. به‌راستی گاه گمان می‌بریم که انسان زمین را سخت از کرده خود پشیمان ساخته است؟ انقراض گروهی ششم که گونه‌های امروزی ساکن زمین را یکی‌یکی در خود می‌بلعد و از بین می‌برد، درنتیجه مستقیم فعالیت‌های انسان شکل‌گرفته است، فعالیت‌هایی که به مخرب‌ترین شیوه عمل می‌کنند، یعنی از بین بردن زیستگاه‌ها و نامناسب شدن شرایط برای ادامه بقا گونه‌های مختلف! سالانه هزاران هکتار از جنگل‌ها توسط انسان از بین می‌روند، جنگل‌هایی که نقش اساسی را در تضمین بقا حیات بر روی کره خاکی بر عهده‌دارند. سالانه حجم زیادی دود و گازهای سمی توسط فعالیت‌های بشری وارد اتمسفر کره زمین می‌شود که علاوه بر پیامدهای ثانویه و مخرب آن، تنفس را برای همه ساکنان زمین سخت می‌کند! انسان ناسپاس حتی چرخه آب سیاره که قلب تپنده کره زمین به شمار می‌رود را از حالت عادی خود خارج ساخته که درنتیجه ذخایر آب شیرین با تهدیدی جدی روبرو گشته‌اند و دریاها و اقیانوس‌ها توسط آلودگی‌های نفتی و صنعتی انسان، رنگ آبی خود را باخته‌اند. تغییرات شدید اقلیمی به‌سرعت در حال پیمایش عرض کره خاکی است و اکنون همه زیستگاه‌های طبیعی زمین با چالش جدی مواجه شده‌اند، کوه‌ها، غارها، چمنزارها، اعماق دریاها! دیگر زیستگاه امنی باقی نمانده است! اما انسان برای این حجم بی‌سابقه از تخریب نه‌تنها شرمسار نیست، بلکه به دلیل جهل و نادانی، سرمست از اعمال خود دچار غرور نیز شده و به خود اجازه می‌دهد که همانند یک مهاجم دیوانه، به سایر ساکنان سیاره هجوم برده و آن‌ها را سلاخی کند و تعداد زیادی را نیز به اسارت گیرد. نه اینکه غیرازاین است که انسان ناسپاس تاکنون تعداد بی‌شماری از گونه‌های مختلف را به کام مرگ کشانده و موجبات انقراض بسیاری را نیز فراهم نموده است؟ محققان این روند از دست دادن گونه‌ها را نابودی بیولوژیکی می‌خوانند و بر طبق یافته‌های جدید، ششمین انقراض گروهی بزرگ در تاریخ زمین، اکنون در حال وقوع است که در مقطع کنونی ازآنچه قبلاً تصور می‌شد، بسیار ترسناک¬تر است. انسان باید بداند که از دست دادن گیاهان، حیوانات و میکروارگانیسم‌ها پیامدهای جدی و مخرب اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی را بر جوامع انسانی می¬گذارد و یقیناً این نابودی بیولوژیکی تأثیرات منفی شدیدی را برای نسل انسان‌ها در ادامه در پی خواهد داشت. در پایان باید متذکر شد که اگرچه انسان تاکنون با فعالیت‌های خود به تخریب شدید و تقسیم کردن زیستگاه‌های طبیعی به بخش‌های کوچک‌تر و جدا از هم آسیب جدی بر پیکر زمین وارد نموده است، اما هنوز فرصت باقی است. دانشمندان معتقدند که ششمین انقراض گروهی اگرچه آغاز گردیده، اما هنوز به مقاطع بحرانی خود نرسیده است و با متوقف کردن فعالیت‌های مخرب انسانی می‌توان از بروز گسترده‌تر این فاجعه زیستی جلوگیری کرد. فراموش نکنیم که علی‌رغم تمام آسیب‌هایی که انسان تاکنون به سیاره زمین وارد نموده، اما این فضاپیمای حامل انسان هنوز سقوط نکرده است و ما برای نجات آن اگرچه اندک اما هنوز زمان‌داریم، زمانی که به‌سرعت در حال اتمام است. یقیناً با ادامه این روند فاجعه‌آمیز، انسان درنهایت بهای گزافی را برای از بین بردن تنها جامعه حیاتی شناخته‌شده در عالم هستی خواهد پرداخت. پس بیایید از همین امروز عملیات نجات را آغاز کنیم که شاید فردایی در کار نباشد. برای سیاره میزبان خود احترام بیشتری قائل شویم و در این عملیات دشوار موفقیتی کسب نخواهد شد، مگر با کمک هم.

مریوان و آبیاری تحت فشار

▪ محسن افروشه
کارشناس آبیاری وکارشناس ارشد مهندسی عمران- مهندسی آب

مقدمه
شهرستان مریوان با ۲۱۲۰۰ هکتار اراضی حاصلخیز از یک میلیون هکتار اراضی کشاورزی استان کوردستان در رتبه هشتم قرار دارد. مساحت کل شهرستان مریوان۲۳۱۰۰۰هکتار و ۱۹۵۰۰۰نفر جمعیت (رتبه سوم استان- برساس سرشماری سال۱۳۹۵) می باشد. بارش میانگین بلند مدت شهرستان مریوان ۸۹۰ میلیمتر بوده و از مناطق پربارش کشوومحسوبمی‌شود.

▪ سدگاران:
از سال ۱۳۷۹ ساخت تونل انحراف آب رودخانه گاران شروع گردید و در سال۱۳۸۳ قرارداد ساخت سد گاران با هدف آبیاری اراضی شهرستان مریوان در ٤ ناحیه عمرانی ، تامین آب شرب شهر مریوان و تامین مصارف زیست محیطی منعقد گردید در اواخرسال۱۳۹۳ آبگیری اولیه سد شروع گردید و تاکنون دو سال متوالی سرریز نموده است.

▪ سامانه انتقال آب :
سامانه انتقال آب سد گاران به طول ۱۷کیلومتر از سد شروع و تا دشت حسن اوله ادامه دارد در کیلومتر ۱۵ پروژه توسط یک واحد ایستگاه پمپاژ بخشی از آب به سه مخزن در نقاط بلندی از کوههای عصر آباد و پیله پمپاژ شده و هد و ارتفاع سیستم آبیاری دشتهای عصر آباد، گویزه کویزه، کانی کوزله، سلسی، پیله، ره شه دی و چاوگ تامین می شود. آب کشاورزی در سامانه انتقال با کانال ذوزنقه ای و آب شرب با لوله فولادی انتقال می یابد. در شهر مریوان که امکان احداث کانال روباز وجود نداشته است آب کشاورزی از طریق لوله های فولادی به دشت زریبار و شمال دریاچه انتقال می یابد. در اراضی جنوبی زریبار که شامل روستاهای کانی سانان، نی، که لکه جان ، وله ژیر،کال، ریخلان و ده رزیان می باشد تامین هد سیستم از طریق ایستگاه های پمپاژ لوکال یا در محل انجام می گیرد . در سایر نقاط پروژه، مخازن یا استخرهایی برای این موضوع پیش بینی شده است .

▪ شبکه آبیاری تحت فشار:
شبکه آبیاری تحت فشار در شهرستان مریوان از اواخرسال ۱۳۹۵ شروع شده است. سیستم آبیاری مورد استفاده کلاسیک ثابت با آبپاش متحرک است. در این سیستم لوله های پلی اتیلن با سایز ٦۳ میلیمتر در فواصل۲۳و۲۱ متری دفن شده و رایزرها و شیرهای خودکار با همان فواصل به صورت شبکه مربعی اجرا می گردد. یکنواختی پخش و صرفه جویی در مصرف آب و راندمان بالا از مزایای بارز این سیستم است. در گروههایی با میانگین٤۰ هکتار آب توسط تعاونی های تولید به سرگروه ها تحویل می شود.مدیریت چرخش آب در اراضی توسط واحد های فنی و ترویجی جهاد کشاورزی استان، شهرستان و مشاوران به کشاورزان و تعاونی

ردیف	نام روستا	آب			زمین			سطح کل اراضی تحت استفاده			درصد خود اراضی
		کل	آبی	دیم	کل	آبی	دیم	کل	آبی	دیم	آبی
۱	سیلو	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۲	دیواندره	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۳	قلیه	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۴	سلم	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۵	سلطانی	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۶	سیمرو	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۷	کانی‌سپی	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۸	بیزار	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۹	سیروان	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰
۱۰	سیوانه	۲۰۲۵	۲۰۲۵	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۳۷۵۱.۱۱۰	۰	۱۰۰

هـای تولید آموزش داده خواهد شـد

▪ اراضی تحت پوشش شبکه:
سطح اراضی تحت پوشش شبکه آبیاری تحت فشار شهرستان مریوان ٤٦۱۰ هکتار مطابق تخصیص وزارت نیرو از سد گاران خواهد بود. درسالهای اخیر به یمن اعتبارات بسیار خوب، تمامی بخشهای پروژه زیر پوشش هر دو وزارت خانه نیرو و جهاد کشاورزی و پیگیری دلسوزانه مدیران تمامی بخشها، پیشرفت قابل ملاحظه ای صورت گرفته است. سطح فوق با سه پیمانکار در سه واحد عمرانی و اراضی جنوبی دریاچه زریبار با سرعت در حال اجراست. قرارداد پیمانکاران در ناحیه عمرانی اول یا دشت لنج آباد، ناحیه عمرانی دوم یا دشت عصرآباد و سلسی، ناحیه عمرانی سوم یا دشت به رده ره شه و کانی میران و اراضی جنوبی دریاچه زریبار جاری بوده و مطابق برنامه ریزی انجام شده بخشهای بزرگی از آن در کشت پاییزه سال ۱۳۹۷ قابل بهرهبرداریخواهدبود.

▪ مزایای پروژه های آب شهرستانمریوان:
کوچک بودن حوضه آبریز دریاچه زریبار ،**تبخیر۱۰ میلیون متر مکعبی از سطح دریاچه، سطح وسیع و عمق کم دریاچه و برداشت بی حساب و کتاب چاه های طراف آن از بزرگترین مخاطرات نابودی دریاچه زریبار است**. هم نوایی هر پروژه ی عمرانی یا اقتصادی در شهرستان مریوان با دریاچه امری لازم و واجب است و این خواست مردم و مدیران آینده نگر و دلسوز است. **اولین معیار سنجش تمامی پروژه ها حفظ اکوسیستم دریاچه است.** پروژه های آبیاری تحت فشار دارای مزایای فراوانی است از جمله: افزایش تولید محصولات کشاورزی تا حداقل ٤ برابر، افزایش سبد درآمدی قشر کشاورزان منطقه، توسعه بخش دامپروری و احداث گاوداریها به موجب افزایش تولید یونجه و ذرت علوفه ای و دانه ای در منطقه، اشتغال مستقیم حداقل ۱۰۰۰ نفر، اشتغال غیر مستقیم و رفع بخشی از معضلات ناشی از بیکاری بعد از بهره برداری، اشتغال بیش از ۹۰۰ نفر در حال حاضر در پروژه ها به صورت مستقیم، صرفه جویی در مصرف آب بخش کشاورزی، عدم توسعه باغات کوچک، عدم توسعه احداث چاهها، کمک به بیلان آبی دریاچه زریبار، با بهره برداری از بخش شرب سد گاران پتانسیل آبهای زیر زمینی دشت بیلو بهبود پیدا خواهد کرد، ورود صنایع تبدیلی بخش کشاورزی و تقویت صنعت و اشتغال صنعتیدرمریوان.

▪ نتیجه‌گیری:
پروژه آبیاری تحت فشار مریوان با اهدف بهبود وضعیت زندگی کشاورزان، افزایش راندمان آبیاری ، افزایش محصولات و کمک به وضعیت آبخوان دریاچه زریبار درسطح٤٦۱۰ هکتارتوسط وزارت جهاد کشاورزی در حال اجرا بوده و امکان افزایش تا ۵۲۰۰هکتار وجود دارد. نیاز است کشاورزان با مجریان امورات مختلف پروژه نهایت همکاری و صبر را داشته باشند تا در فضایی آرام و عاری از تنش پروژه ها جهت تحقق اهداف آن با کیفیتی بالا اجرا گردد. همچنین تمامی دستگاههای دولتی مرتبط با پروژه ها که هدف خدمت به مردم در سرلوحه کارهایشان قرار دارد همکاری همه جانبه داشته باشند. امید است در سایه اجرای پروژه های آب ، توسعه بخش کشاورزی شهرستان تکمیل گشته و شاهد بهبود وضعیت معیشتیمردمباشیم.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: امید رشیدی | زیرنظر: شورای سردبیری | ماهنامه کوردی - فارسی | مدیرهنری: صلاح علمی‌زاده | تلفن و نمابر: ۰۸۷۳۴۵۵۰۹۷۲ | روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۹۱۸۵۱۵۲۴۸۸ | گستره‌ی توزیع: استان‌های کوردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، آذربایجان غربی | نشانی دفترمرکزی: استان کوردستان، مریوان، خیابان مولوی کورد، ساختمان روژ، طبقه‌ی اول، واحد۱۰۵، کدپستی: ۶۶۷۱۹۱۵۶۴۰ | ایمیل: chya.govar@gmail.com
ماهنامه چیادرویرایش وتلخیص مطالب ارسالی آزاداست | مطالب وآثارچاپ شده لزوما نظرگردانندگان چیانمی باشد | **شماره حساب: ۰۱۱۰۳۲۲۹۴۹۰۰۱ بانک ملی** | **شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۴۸۷۴۱** | چاپخانه: پیام رسانه همدان

در سرم جنگجوی غمگینی است
سرنوشتش سقوط در چاه است
شورش بغض های من قطعی ست
به گمانم که جنگ در راه است

عکسنامه کاوه کوردستانی

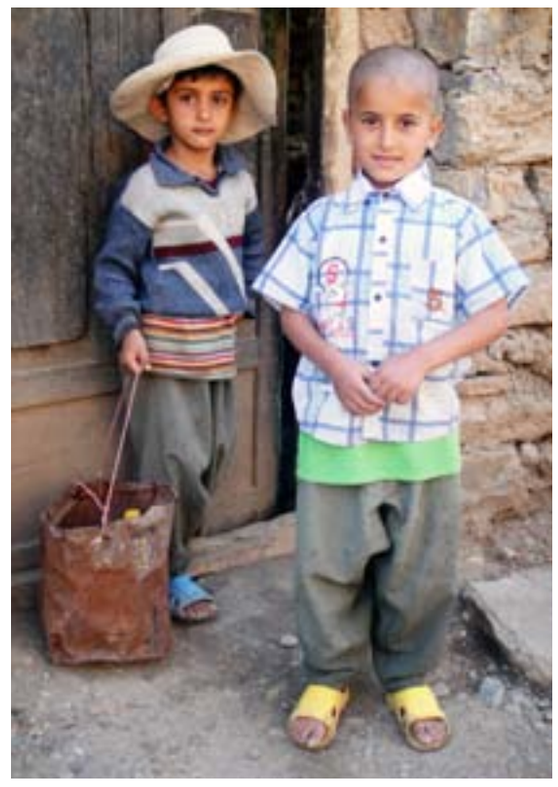

تلخند

نمی دونم شما کجای دنیا زندگی می کنید؛ اما من جایی زندگی می کنم که همه دوست دارند مسئول شوند اما هیچ مسئولی مسئولیت هیــچ کاری را بعهده نمی گیرد در حالی که در اینجا برای هر ســمتی گاها دو یا سه مسئول وجود دارد؛ اما مسئول آلودگی آب دریای خزر فلان کشور اســت، مسئول انقراض گونه های گیاهــی و جانوری خلیج فارس، فلان کشــور اســت، مســئول اغفال جوانان ما فلان کشور است، مســئول فرار مغزها فلان کشور است، مسئول کشته شدن پناهجویان ما فلان کشور است، مســئول خشک شدن دریاچه های ما فلان کشور است، مسئول تصادفات جاده ای فلان کشــور است، مسئول واردات مواد مخدر به کشور ما فلان کشــور است، مسئول پایین بودن کیفیت خودروهای ما فلان کشور است، مسئول وقوع زلزله فلان کشور است، مسئول آشوب و فتنه در کشــور ما فلان کشور است، مســئول عدم رونق اقتصادی کشــور ما فلان کشور است، مسئول افت ورزشکاران ما فلان کشور است، مسئول ســقوط هواپیماهای ما فلان کشــور است، مسئول عدم ورود گردشگر به کشــور ما فلان کشور است، مسئول خروج ارز از کشــور ما فلان کشــور اســت، مسئول تحریــم بانــک های ما فلان کشــور اســت، مســئول قطع جنگل‌ها، مسئول از بین رفتن تالاب ها، مسئول انقراض یوز ایرانی، مسئول آلودگی هوای، مسئول حذف نام کرمانشاه از لیســت کلانشهرها، مســئول ورود گردوخاک به آســمان و ریه های ما، مسئول بیابانزایی، مســئول کاهــش آبهای زیرزمینی، مســئول کاهش نزولات جوی، مسئول بلایای طبیعی و غیر طبیعی و ریشــه تمام گرفتاری های ما فلان کشــور اســت، خلاصه در این کشور و با وجود این همه مسئول، مسئولین ما مسئول اتفاقات فوق الذکر نیســتند و من و تو هم به احتــرام اصحاب کهف به خــواب عمیقی فرو رفته‌ایم.خفتــه‌اخفتــه‌کــی‌کنــدبیــدار.

سایت انجمن سبز چیا
www.chya.ir
کانال رسمی انجمن سبز چیا در تلگرام
@chya2716

کاریکاتور Tawan Chuntraskawvong

چگاد

زلزلــه آمــد، خانــه ها ویران شــد، خانواده‌ها بی‌خانمان شــدند، کودکان گرسنه، وحشــت زده و سرانجام سایه شوم بحران خود را نشان داد.
بایــد کاری مــی کردیم، بایــد اقدامی درخور انجام می‌گرفت، این بحران اراده ای والا برای ســعی در عادی ســازی وضعیــت مــی طلبید، روحیــه ای به بزرگی انسانیت و دلی به پهنای دریا.
داســتان ازآنجا شروع شد که ماها نیز به‌مانند خیلی‌های دیگر، تاب درد و آزار همنوعانمان را نداشتیم. حادثه طبیعی به نام زلزله خسارت‌های زیادی را به بار آورده بود، تعداد نامعلومی از همشهریان جانشــان را ازدســت‌داده بودند، اخبار متناقــض و گنگ بود. بررســی دقیق وضعیت دشوار بود، چراکه رسانه‌ها علل خصــوص در روز اول حادثــه انعکاس واقعی از رویدادها را نمی‌دادند.
ولی باید کاری انجام می‌شد، بی‌تفاوت بــودن را درشــان انســان نمی‌دیدیم، بنابرایــن تصمیــم بر آن شــد که طی فراخوانی اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مردمی کنیم و در همین راستا کمپینی به نام **"وه‌تــه‌ن چاوی لێمانــه"** (**وطن چشــم‌به‌راه ماســت**)، بنیاد نهاده شد و رســماً وجود خود را اعلام کرد. طراحی پوستر و بنرها به‌ســرعت انجام گرفت و چــاپ و نصبشــان شــروع گردید، میدان **"باوه‌ڕەشــی"** مریوان (که البته ســاعاتی قبل از تولد کمپین از ســوی برخی شهروندان به‌صورت خودجوش مــکان جمع‌آوری کمک‌هــای مردمی انتخاب‌شــده بــود) مرکــز جمع‌آوری کمک‌های مردمــی اعم از نقدی و غیر نقدی، انتخاب و اعــلام گردید. طولی نکشــید که‌مــوج کمک‌هــای بی‌دریغ مردمی ســرازیر شد و مدیریت کمپین نیروهــای بیشــتری می‌خواســت که خوشبختانه با حضور نیروهای مردمی و اعضــای ngo هــا، کار در روال خود قرار گرفت. از ۲۲ آذرماه سال جاری تا ۲۵ آذر کمپین در " **باوه‌ڕەشــی** " برقرار بود، شــب‌ها تا ساعت ۳ و چهار بامداد با پیشــوازی غیرقابل‌تصور مشــغول جمــع‌آوری و فرســتادن کمک‌هــای مردمی بود. نظمی آنارشیســتی حاکم بــر جو کمپین بــود، به صورتــی که با تقســیم شــدن به تیم‌هــای مختلف کارهــای مختلفــی ازجملــه تحویــل گرفتن اجناس، تفکیک به بخش‌های مختلف؛ خوراکی، پوشاک، پتو، مردانه، زنانه، کودکانه و ... بار زدن ماشــین‌ها، لیســت گرفتن، انبار کــردن در صورت نیاز و دیگر کارها، انجام می‌گرفت. طی چهار روز قریب به ۱۸۰ ماشــین(تریلر، ده تــن، وانت نیســان و تویوتا) اقلام مختلف به منطقه ارسال‌شد که توسط دوســتان و همکارانمان در منطقه‌های ازگلــه و ســرپل ذهاب به شــیوه‌ای منظم در بین نیازمندان تقسیم گردید. اجناس باقی‌مانده پس از انبار کردن در چند انبار، طــی روزهای بعدی بر طبق نیــاز مردمان منطقه، بدان جا ارســال می‌گردید.
حماسه‌ای که طی آن مدت در مریوان و کرماشان آفریده شــد را نمی‌توان با کلمات وصف کرد و به‌راستی زبان عاجز از بیانش است، طی آن روزها انسانیت والاتریــن دین بود و همه و همه اعم از پیــر و جوان، زن و مرد بســان اعضای یک خانــواده برای مردم آســیب‌دیده تلاش کردند.
کمپین **" وه ته ن چاوی لێمانه "** کمپینی بود متشــکل از انجمن‌های مردم‌نهاد مریــوان که با همکاری مــردم فهیم و انسان‌دوست توانســت نقش بسزایی در امدادرســانی به مردم آســیب‌دیده کرماشان داشته باشد.
درواقــع ایــن کمپین متعلــق به همه شــهروندان ایــن شــهر و چه‌بســا دیگــر شــهرهای مجاور و حتــی گاها شناسنامه‌ای قابل‌اعتماد برای مردمان خیر دیگر جاهای ایران و خارج از کشور بود، **" وه‌تەن چاوی لێمانە "** توانســت بار دیگر به همگان ثابت کند که امید به انسان بودن هنوز زنده است.

خانه‌ی سبز

راه‌های دورکردن حشرات از محل زندگی

آیامــی دانید چرا مــی گویند طبیعت زیباســت ؟زیبایی طبیعت به این دلیل است که تعادل دارد، یعنی همه چیز درآن به اندازه اســت و هیچ چیزی کم یا زیاد نیست، مگر زمانی که انسان دخالت نابجا کنــد و تعادل آن را به هم بزند. انســان با برهم زدن تعادل زنجیره غذایی، یعنی کشــتن و نابودکردن یک گونــه گیاهی یا جانوری مخصوصا پرنــدگان، موجب افزایش یا کاهش گونــه های دیگر می شــود، پس بهتریــن کار اینســت که از دخالت نابجا و برهم زدن تعادل طبیعت پرهیز کنیم. بــودن تعدادی عنکبوت در محیط زندگی موجب می شود مگس ها و سایر حشرات را شکار کرده و کاهش آنها را به دنبال دارد، پس از کشــتن عنکبوت هــا خودداری کنیم. ریختن شــیرینی و باقیمانده غذاها در کف آشپزخانه و محل زندگــی موجب جذب و تجمع مورچه ها و سایر حشــرات می شــود، بنابراین با پاکیزگی ونظافــت محیط خانه از تجمع آنهــا جلوگیــری کنیم. بــرای دور کردن مورچه ها و حشــرات مواد طبیعی مانند سیر و فلفل را در نزدیکی محل تجمع آنها قرار دهیم، برای کشتن آنها از سم و مواد شــیمیایی که باعث آلودگی محیط و آبها می شود پرهیز کنیم.

اعلامیه‌های جهانی

تشریحی از اصول اعتراض

اعتراض: عبارت اســت از بیــان فردی یا جمعی نظــرات، ارزش‌ها یا منافع مخالف، دگراندیشانه، واکنشی یا پاسخ دهنده. به این ترتیب، یک اعتراض می‌تواند، از جمله، شامل موارد زیر باشد:
- اقدامــات فــردی یا جمعــی، تظاهرات خودجوش یا همزمان، به هر شیوه و شکل و برای مدت زمانی که هر فردی مایل باشد، از جملــه از طریق اســتفاده از فن‌آوری‌های دیجیتال.
-بیان فردی یا جمعــی در مورد هر آرمان یا موضوعی.
-عملیات برای هدف قراردادن هرمخاطبی، از جمله‌مقامات‌حکومتی،نهادهای‌خصوصی‌یا افراد و یا عموم مردم.
-عملیات در هر مــکان، از جمله مکان‌های عمومی یا خصوصی، و همچنین به صورت آنلاین.
- عملیاتی که به نوعی به درجات و روش‌های مختلف سازمان‌دهی مربوط می‌شود، ازجمله آن‌هایی که ساختار سازمانی، سلسله مراتب و یا شکل و طول مدت روشن و از پیش تعیین شده ای ندارند.
حق اعتراض: عبارت است از عمل به صورت فردی یا جمعی در به کارگیری حقوق بشــر موجود و شناخته شدهی جهانی، ازجمله حق آزادی بیان، آزادی تجمع و تشکل مسالمت آمیز، حق شــرکت در اداره امور عمومی، حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب، حق مشارکت در زندگــی فرهنگی، حقــوق زندگی، حریم خصوصی، آزادی و امنیــت فرد و حق عدم تبعیض. حق اعتراض هم‌چنین برای تامین همه حقوق بشر، از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری است.
اعتراض آنلاین: به اعتراض به همان معنا که در بالا تعریف شده است بر می‌گردد، با این تفاوت که در این جا از اینترنت به عنوان یک ابزار و یا پلات‌فرم برای عمل استفاده می‌شود.
عمل‌مستقیم‌غیرخشونت‌آمیز: به‌تاکتیک‌ها واستراتژی‌های‌عمومی‌برای‌تغییر، بااستفاده از روش‌هــای ایجاداختــلال با هدف‌گیری موسسات، کنشگران و یا فرآیندها، از طریق ابزارهای مستقیم و مسالمت آمیز، از جمله سرپیچی آگاهانه ومسئولیت پذیرانه از قانون برمی‌گردد.
نظم عمومی: عبارت است از مجموعه مقرراتی که گردش منظم امور جامعه را تأمین می‌کنند، یا به مجموعه ای از اصول بنیادین که جامعه بر اساس آن شکل گرفته، از جمله رعایت حقوق بشر اشاره دارد.
مســالمت‌آمیز: این اصطلاح باید به معنای گسترده آن در نظر گرفته شود و فقط مواردی از شمول آن خارج است که شواهد حاکی از قصد معترضان به استفاده از خشونت باشد. به این مسئله نیز باید توجه کرد که خشونت‌های پراکنده یا جزیی و یا سایر اقدامات غیرقانونی که دیگران مرتکب می‌شوند نباید افراد را مادام که در قصد و رفتار خود به تظاهرات به صورت مســالمت‌آمیز ادامه می‌دهنــد از این حق محروم‌کند.
تعهدات حکومت در برابر اعتراض
الف) حق اعتراض را محترم بشمارند: آن‌ها، جز در حدی که قوانین بین المللی حقوق بشر مجاز دانسته، نباید از حق اعتراض جلوگیری کرده ، مانع شوند و یا آن را محدود کنند.
ب) از حق اعتــراض حمایت کنند: آنها باید برای حمایت از کسانی که می‌خواهند از حق خود به اعتراض استفاده کنند گام‌های لازم را بردارند. این امر از جمله، اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از تعرض توسط اشخاص ثالث را دربرمی‌گیرد.
ج) حــق اعتراض را کامــلا تأمین کنند: آنها باید محیط مناســبی را برای استفاده از حق اعتــراض ایجاد کنند. این امر از جمله، اتخاذ تدابیر مناسب و لازم برای جبران تخلف‌ها را دربرمی‌گیرد.
د) در قانون اساسی خود (و یا نظایر آنها) و در قوانین داخلی، حکومتها باید بر طبق قوانین بین‌المللی حقوق بشر، قوانین تفکیک‌ناپذیر، به هم وابســته و پیوسته حقوق بشر را که در حق اعتراض منظور شده به رسمیت شناخته و به مرحله اجرا در آورند. این حقوق از جمله عبارتند از:
۱- حقوقی که برای تحقق تظاهرات ضروری است، به ویژه:
-حق آزادی بیان: آزادی جســتجو، دریافت و انتقال اطلاعــات و افکار از هر نوع ، فارغ از مرزبندی‌ها و به هر صورت، شفاهی، کتبی یا چاپی، در قالب هنر، و یا از طریق رسانه‌ها به انتخاب خود شخص.
- حــق آزادی تجمــع: آزادی بــرای تجمع اختیاری در یک فضا برای یک هدف مطرح شده‌مشترک.
- حق آزادی تشــکل: آزادی بــرای ارتباط با دیگران و از جمله، تشــکیل و پیوســتن به اتحادیه‌های کارگری برای دفاع از منافع فردی وجمعی.
- حق مشارکت عمومی: حق هر فرد به این که از جمله، بتواند مستقیما یا از طریق نمایندگان منتخب خود در اداره امور عمومی شرکت کند.
۲- حقوقــی که غالبا در جریان ســرکوب تظاهرات نقض می‌شوند، به ویژه
- حــق زندگی: هیــچ کس را نمــی توان خودسرانه از زندگی خود محروم کرد؛
- حق آزادی از شکنجه و رفتارهای غیر انسانی وتحقیرآمیز.
- حق حفظ حریم خصوصی: هیچ کس نباید در معرض مداخلات خودسرانه و غیر قانونی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود قــرار گیرد، و یا زیر حملات غیر قانونی به آبرو و شهرت خود واقع شود. هر کس حق دارد از حمایت قانون در برابر این گونه مداخلات و حملات برخوردار گردد.
-حق آزادی و امنیت شخصی: هیچ کس را نمی توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. هیــچ کس را نمی‌توان از آزادی خود محروم کرد مگر به دلایل و بر طبق آئین دادرسی که توسط قانون تاسیس شده باشد.
اصل عدم تبعیض
۱. کشــورها باید در قوانین خــود ترتیبات و تضمینهایی اطمینان‌بخش وعملی اتخاذکنند که بر مبنای ان هر کس بتواند به گونه‌ای برابر و بدون تبعیض به دلیل خصوصیاتی مانند نژاد، جنسیت، قومیت، مذهب یا عقیده، معلولیت، سن، گرایش جنسی، هویت جنسی، زبان، عقیده سیاســی یا غیر آن، اصلیت ملی یا اجتماعی، ملیت، مــال و املاک، تولد یا هر وضعیت دیگــر، از حق خود بــه تظاهرات استفاده‌کند.
۲. حق اعتراض باید برای تمام افراد، گروه‌ها، تشکل‌های ثبت نشده و نهادهای قانونی، به شمول اعضای اقلیت‌ها، اتباع (شهروندان)،

عکس نوشت

آتش‌سوزی نی‌زارهای زرێبار | عکاس: شێرکۆ کانی‌سانانی

تیم والیبال راه‌یاب-ملل مریوان | عکاس: کاوه کوردستانی

فعالیت کمیته‌ی آموزش انجمن سبز چیا در مدارس | عکاس: سعیده ایرانی